

بسم الله الرحمن الرحيم
يا أيها الذين آمنوا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
تَوْسِيفُ

گزیده‌ای از کتاب تذکرة الحجّة
آیت الله میرزا محمد باقر فقیه ایمانی قدس سره

یاد یوسف زهرا علیها السلام

گزیده‌ای از کتاب «تذکره الحجة»

یاد یوسف زهرا علیها السلام (گزیده‌ای از کتاب تذکرة الحجة)

آیه الله میرزا محمد باقر فقیه ایمانی رحمته الله

گزینش: محمد صدری

چاپ اول: ۱۳۸۸

چاپخانه: پرستش

تعداد: ۵۰۰۰ نسخه

انتشارات: عطر عترة

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۸۸-۰۰-۲

قیمت: ۱۱۰۰ تومان

تلفن پخش: ۰۹۱۲۷۴۷۷۱۱۸

فهرست عناوین

مقدمه مؤلف ۷

فصل اول:

بیان وظیفه و آداب ذکر آن حضرت علیه السلام در حالات شخصی انسان ۹

مطلب اول: ذکر زبانی ۱۱

ذکر به طور علنی و آشکارا ۱۱

ذکر زبانی در خلوت و تنهایی ۱۳

مطلب دوم: ذکر نوشتاری ۱۴

مطلب سوم: ذکر قلبی ۱۶

آداب این ذکر قلبی ۱۹

انواع محبت آن حضرت علیه السلام در عبادات ۲۸

دو فائده از ذکر قلبی امام علیه السلام در حال عبادت ۳۲

* هنگام غفلت و اراده معصیت ۳۳

* هنگام ملاقات با دوستان ایشان ۳۴

آداب وظیفه این موالات در هنگام ملاقات با دوستان حضرت ۳۵

فصل دوم

بیان وظیفه ذکر قلبی آن حضرت علیه السلام در مکان‌ها ۴۳

مطلب اول: مکان‌هایی که به آن حضرت علیه السلام منسوب است ۴۵

مطلب دوم: آداب ذکر ایشان در آن مکان‌ها و فوائد آن ۴۹

مطلب سوم: ذکر ایشان در مطلق مکان‌ها ۵۲

فصل سوم

بیان وظیفه و آداب و فوائد ذکر قلبی در زمان‌های گوناگون ۵۷

مطلب اول: در بیان وظیفه و آداب ذکر در زمان‌های خاص ۵۹

مطلب دوم: در بیان وظیفه و آداب ذکر در مطلق زمان‌ها ۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یه نام خد

بهترین لحظات برای شیفتگان ولایت هنگامی است که در کنار امامشان به سر می‌برند و از محفل انس او توشه می‌چینند.

اکنون که امام زمان علیه السلام از دیده‌ها غایب است برترین اوقات، لحظه‌های یاد اوست که قدری از درد فراق دوستدارانش می‌کاهد.

این لحظه‌ها در زندگانی بعضی بسیار کم، و برخی بیشتر است، و آنان پیروز این مقامند که سراسر زندگیشان لحظه‌های یاد اوست.

کتاب حاضر که مختصر و چکیده‌ای از کتاب «تذکرة الحجة» است به ما می‌آموزد که چگونه عطر یاد مولایمان را در سراسر زندگی‌مان استشمام کنیم و این‌گونه هم وظیفه شرعی خود را انجام دهیم و هم از آماج فتنه‌های آخر الزمان در امان مانیم.

قابل تذکر است که به سبب رعایت اختصار در همه مراحل کتاب ناچار شدیم مطالب بسیاری را حذف کنیم که مشتاقان می‌توانند به اصل کتاب مراجعه کنند.

امید است که این اثر در بارگاه با عظمت آن سرور قبول افتد.

آمین یا رب العالمین

مقدمه مؤلف

یکی از نشانه‌های حکیمانه خداوند در نظام هستی جاذبه شگفت‌علاقه و محبت است. هر حرکتی که در عالم مشاهده می‌شود با محبت رابطه مستقیم دارد.

محبت در وجود انسان همانند نیروی جاذبه در کیهانها و اجرام سماوی و عاملی مؤثر در بقای نوع انسان است. دلائل عقلی و نقلی گویاست که هدف از آفرینش انسان کسب محبت پروردگار و تکمیل آن است، و در دریای هستی گوهری با ارزش‌تر از آن نمی‌توان یافت و لذتی برتر از آن تصور نمی‌شود.

البته قدم گذاردن در عالم پاک و با صفای محبت، برای بیگانگان از این وادی هرگز نشاید، و وصف حقیقت محبت برای آنان که شیرینی آنرا چشیده‌اند، مشکل است.

از لوازم محبت خداوند و علائم آن، دوستی نمودن با محبوب او است. بدون تردید، بزرگ‌ترین محبوب الهی وجود مبارک امام علیه السلام بعد از وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله است.

به همین خاطر از بزرگ‌ترین لوازم محبت الهی و بهترین وسایل تحصیل آن در این زمان، دوستی با امام زمان علیه السلام است. لازمه این دوستی ذکر و یاد آن حضرت در دل و گفتار و کردار است.

این فرمایش امیر مؤمنان علیه السلام که در توصیف احوال غیبت امام زمان علیه السلام فرموده است:

ان غاب عن الناس شخصه في حال هدايتهم، لم يغب عنهم علمه، و
آدابه في قلوب المؤمنين مثبتة، فهم بها عاملون^۱.

اشاره به همین مطلب دارد، یعنی هرچند حجت خداوند از دیدگان
مردم پنهان و مستور می شود، علم او به احوال آنها احاطه دارد و آداب
متعلق به آن حضرت در دل های مؤمنان به خاطر معرفت و بصیرت آنان
ثابت است، یعنی کاملاً رعایت آداب تجلیل، تعظیم، شکر، محبت،
اطاعت و نصرت را می نمایند و بر طبق آن عمل می کنند.

لذا این حقیر بر آن شدم که برای یاد آوری خود و اهل بصیرت مطالبی
را به طور مختصر پیرامون مقامات و حالات مهم برای ذکر آن حضرت، و
نیز مکان ها و زمان های مخصوصی که به ذکر ایشان ارتباط دارد، به رشته
تحریر در آورم و به همین مناسبت آن را «تذكرة الحجة لتبصرة اهل
المحجة في الاسلام» نامیدم، که مشتمل است بر سه فصل:

فصل اول: در بیان وظیفه و آداب و فواید ذکر آن حضرت در حالات
شخصی انسان.

فصل دوم: بیان وظیفه ذکر قلبی آن حضرت در مکان های مخصوص و
مطلق مکان ها

فصل سوم: بیان وظیفه و آداب و فواید ذکر قلبی آن حضرت در کلیه
زمان ها و زمان های مخصوصی که منسوب به ایشان است.

فصل اول

بیان وظیفه و آداب ذکر آن حضرت علیه السلام

در حالات شخصی انسان

در این فصل، اقسام ذکر امام زمان علیه السلام در سه مطلب بیان می شود:

مطلب اول - ذکر زبانی

مطلب دوم - ذکر نوشتاری

مطلب سوم - ذکر قلبی

مطلب اول: ذکر زبانی

ذکر زبانی به دو صورت محقق می‌شود:

صورت اول: ذکر به طور علنی و آشکارا

این نوع ذکر در مجلس اهل حق و اهل محبت ممکن است انجام شود و یا مجلسی که در آن اهل حق و باطل هر دو گروه شرکت دارند، و از همان اموری است که باعث احیاء امر اهل بیت علیهم‌السلام می‌گردد، و در روایات توصیه فراوانی به آن شده است^۱.

در این گونه ذکر برای آن که تأثیر بهتری داشته باشد، باید آدابی را رعایت کند:

اول: قصد خود را خالص نماید و تنها به خاطر اظهار محبت به آن حضرت و خشنودی پروردگار سخن گوید.

دوم: سعی و تلاش کند آنچه می‌گوید، همه مستند باشد.

سوم: با بیانی نرم و دلپذیر، و با خوش اخلاقی و مهربانی مطالب خود را بگوید.

چهارم: هنگام نام بردن ایشان، ادای احترام نماید و نکات زیر را رعایت نماید:

۱ امام صادق علیه‌السلام به فضیل بن یسار فرمود: آیا می‌نشینید و در باره ما گفتگو کنید؟ عرض کرد: آری، فدای شما شوم. فرمود: من این گونه مجالس را دوست دارم؛ زیرا باعث احیاء امر ما می‌گردد. «بحار الانوار ۳۵۱/۷۴ ح ۱»

۱. تصریح به نام اصلی ایشان نکند و حضرت را با سایر اسامی و القاب مبارکش یاد نماید، زیرا روایات فراوانی به ما رسیده که در آنها نهی از تسمیه - یعنی نام بردن آن حضرت به اسم اصلی - فرموده‌اند.^۱

۲. هرگاه خود شخص یا دیگران امام زمان علیه السلام را با لقب مخصوص «قائم» یاد کردند، از جای خود برخیزد. این یکی از تکالیف شیعه در دوران غیبت است، و سیره امامیه بر آن مستقر گشته است، و این سیره نشان دهنده آن است که اصلی و مأخذه برای این عمل بوده است.

۳. هرگاه از آن حضرت نام می‌برد و از او یاد می‌کند بر ایشان سلام و درود فرستد، همان طور که نسبت به امامان دیگر نیز چنین وظیفه‌ای دارد. از فوائد بسیار ارزشمندی که اهل این گونه مجالس از آن بهره‌مند می‌شوند این است که فرموده‌اند:

کمترین پاداشی که در دوران غیبت قائم ما، نصیب دوستان ما می‌شود، این است که خداوند تبارک و تعالی ندا دهد: ای بندگان من به سرّ من ایمان آوردید و رحمت غایب از نظرها و پنهان را تصدیق نمودید، شما را به پاداش نیکو بشارت باد، شما بندگان و کنیزان واقعی هستید، تنها اعمال خوب شما را می‌پذیرم و از کارهای بد شما چشم پوشی می‌کنم، گناهان شما را می‌آمرزم، به خاطر شما باران خود را بر بندگان فرو می‌فرستم و بلا را از ایشان دور می‌کنم و اگر شما نبودید آنها را دچار عذاب می‌نمودم.^۲

۱. امام هادی علیه السلام در ضمن روایتی به ابوهاشم جعفری فرمودند: جایز نیست او را با اسم اصلی اش یاد کنید، سؤال کرد: او را چگونه یاد کنم؟ امام علیه السلام فرمود: او را به عنوان حجت آل محمد، یاد کنید. «بحار: ۱۵۸/۵۱ ح ۱».

۲. بحار الانوار ج ۱۴۵/۵۲ ح ۶۶.

صورت دوم: ذکر زبانی در خلوت و تنهایی

از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی بر بنده‌اش این است که زبان او به ذکر خدا و اولیای گرامیش مترنم باشد، البته روشن است که این گونه ذکر هنگامی فایده کامل دارد که با توجه قلبی به معانی آن همراه باشد؛ و چون مهم‌ترین چیزی که انسان عاقل باید همواره در مورد آن بیندیشد تکمیل نفس و روح با شناخت توحید و تصدیق حجت خداوند است، و واسطه در این امر مهم در هر زمانی امام زمان علیه السلام است؛ باید ایشان را با شناخت مرتبه و مقامش نزد خداوند شفیع و واسطه برای تحقق این آرمان نمود. بر اساس این مطلب که او مرجع عام و خاص در طلب هر فیضی است و هر عنایتی شود به واسطه او است. ایشان دارای احاطه علمی است و به حال تمامی افراد آگاهی دارد، و هر سخنی را از همه - دور باشد یا نزدیک - می‌شنود.

عالم همان گونه که در محضر خداوند است، محضر امام زمان علیه السلام نیز هست، زیرا که او ولی خدا و جانشین اوست، او چشم بینای حق و گوش شنوای او در میان مخلوقات است و روایات در این باب متواتر است.^۱

ثقة الاسلام کلینی رحمته الله روایت کرده است که شخصی خدمت امام موسی بن جعفر علیه السلام نامه‌ای نوشت و در آن عرضه داشت: انسان اگر بخواهد در مورد حوائج و نیازهای خود به گونه‌ای که با خداوند عرض حاجت می‌کند با مولا و امام خویش مناجات داشته باشد، چه کند؟

امام علیه السلام در پاسخ او نوشتند: در هر حالی که هست، کافی است به

۱. در زیارت امام زمان علیه السلام در روز جمعه به عنوان چشم بینای حق در میان خلق به آن حضرت سلام عرض می‌کنیم و می‌گوییم: «السلام عليك يا عين الله في خلقه» «بحار: ۲۱۵/۹۹».

امامش توجه کند و حاجت خود را بر زبان جاری کند.^۱

لذا بنده خواهان سعادت، باید پیوسته تلاش کند تا موجبات غفلت را از خود دور کند و قلب خود را متوجه ساحت قدس امامش کند و از او هدایت بجوید و در هر سختی و شدتی به امام زمانش روی آورد و از آن حضرت طلب اصلاح نماید.

و مناسب است همان طور که فرموده‌اند بگویند: «یا محمد یا علی یا فاطمه یا صاحب الزمان ادرکنی ولا تهلکنی» و با شفیع قرار دادن آن سه بزرگوار از امام زمانش که مجری فرامین پروردگار این عصر و زمان است، حاجت خود را بخواهد و رهایی یافتن از ورطه ضلالت و جهالت را تقاضا کند.

فائده این گونه ذکر زبانی

هرکس در خلوت‌ها و تنهایی با این اذکار یا مشابه آن به امام زمانش توجه نماید و از آن هدایت‌گر طلب هدایت کند، آن بزرگوار به لطف خود اسباب برخوردار شدن از هدایت را برایش میسر گرداند.

مطلب دوم: ذکر نوشتاری

ذکر نوشتاری یعنی با نوشتن از آن حضرت یاد کردن این مطلب روشن و واضح است که همواره انتشار مطالب به وسیله ثبت و ضبط در دفتر و کتاب بوده است، لذا در روایات بر این مطلب تاکید شده است. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: دل آدمی بر نوشته‌ها تکیه می‌کند.^۲

و به مفضل فرمود:

۱. بحار الانوار: ج ۲۲/۹۴ ح ۱۸.

۲. بحار الانوار: ج ۲ ص ۱۵۲ ح ۳۹.

بنویس و دانش خود را در میان برادرانت نشر بده، و اگر از دنیا رفتی کتاب‌هایت را برای فرزندان ارث باقی بگذار، زیرا زمان دشوار ناهنجاری می‌آید که جز کتاب‌های آنان همدم ایشان نیست.

از آنچه گفته شد روشن گردید که یکی از راه‌های یاری امام زمان علیه السلام ذکر و یاد او به وسیله نوشتن است، و این وظیفه تحت دو عنوان تحقق پیدا می‌کند:

۱. آنان که اهل بصیرتند و می‌توانند از آیات و اخبار با خوش فهمی و استعداد سرشار نکات مهمی را دریابند که دانشمندان گذشته به آن نرسیده و آن را درک نکرده‌اند، یا آن که ذوق خاصی دارند و می‌توانند اخبار را به شکل زیبایی دسته بندی کنند که برای مراجعه کنندگان پیدا کردن مطالب راحت باشد، یا می‌توانند عبارات گذشتگان را به گونه‌ای روان بازگردانی نمایند تا قابل فهم همگان باشد، یا متون عربی را به فارسی ترجمه کنند تا فارسی زبانان از آن بهره‌مند شوند، یا به تهذیب عبارات و حذف مطالب زائد بپردازند تا برای خوانندگان ملال آور نباشد، یا عبارت‌های مختصری که مبهم و پیچیده است را شرح و توضیح دهند، یا مهارتی در فهرست نویسی دارند و می‌توانند فهرست‌های گویائی فراهم کنند، اینها هر کدام نوعی خدمت به فرهنگ دینی و آثار مذهبی و نوعی یاری امام زمان علیه السلام است.

۲. اگر چنین قدرتی ندارند که تألیف یا تصنیف و یا تحقیقی داشته باشند باید در حفظ و نشر و ترویج آثار ارزنده دیگران تلاش کنند. درباره آنها تبلیغ کنند و به جوامع فرهنگی معرفی نمایند و تکثیر کنند، تا مشمول دعای امام صادق علیه السلام شوند که فرمود: «رحم الله من أحيأ أمرنا»^۱.

مطلب سوم: ذکر قلبی

ذکر قلبی به گونه‌ای که آثار آن در حال انسان و رفتار او آشکار گردد. در همهٔ زمان‌ها دو حالت برای انسان متصور است:

۱. حالت اجتماعی که به نوع مردم بستگی دارد.
۲. حالت فردی که به خود او مربوط است.

وجه اول: حالت اجتماعی انسان

حالات نوع مردم دو گونه است: یا در آنها خیر و خوبی غلبه دارد و بیشتر اهل صداقت و ولایتند. و یا فساد و تباهی در آنها غلبه دارد و بیشتر اهل باطل و فتنه‌اند. در هر دو صورت اهل ولایت و محبت باید یاد آن حضرت را از خاطر نبرند، و از او و امر امامت و ولایت غفلت نوزند و اراده و همت خویش را در راه تحصیل و تکمیل معرفت صرف نمایند.

از آداب این ذکر قلبی در مورد نوع اول - که غلبه با خوب‌ها و خوبی‌ها است - این است که شخص با اهل علم و معرفت مجالست و همنشینی داشته باشد و دربارهٔ مسائل مربوط به غیبت و ظهور و سائر فضائل آن حضرت مذاکره و گفتگو نماید.

دیگر آن که به حقیقت معنای انتظار که یک حالت قلبی است پی ببرد و در خود آن حالت را ایجاد کند به گونه‌ای که اثر آن در رفتار و گفتار او ظاهر گردد.

حال یک انسان منتظر باید مانند کسی باشد که مسافری بسیار عزیز و ارزشمند و محبوب در راه دارد، به آمدن او یقین دارد ولی زمان آمدنش برای او مشخص نیست و به طور دقیق نمی‌داند که چه زمانی این عزیز سفر رفته باز می‌گردد.

او هیچ‌گاه آسوده خاطر نمی‌ماند، بلکه به گونه‌ای رفتار می‌کند که

همواره آماده برای پذیرائی و ملاقات از این مهمان ارزشمند باشد.

به کوه و دشت و صحرا می‌زنم پی ره مسجون شیدا می‌کنم طی
تو فرمودی که من می‌آیم آخر سپردم جان ز هجران تو پس کی؟

مؤمن همواره تلاش می‌کند اخلاق خود را نیکو گرداند به گونه‌ای که شایسته حضور آن حضرت باشد.

شب و روز مشتاقانه چشم به راه است و از طولانی شدن غیبت هرگز دچار یأس و ناامیدی نمی‌شود، و کارهایی چون توبه و استغفار و دعا که باعث تعجیل فرج است انجام می‌دهد، همچنین با بررسی حکایات افرادی که حضور او نائل آمده‌اند سعی می‌کند اطلاعی از حال آن محبوب پیدا کند و خود را بیشتر با او آشنا نماید.

او همواره به خاطر طولانی شدن غیبت و وضع ناپسامان مردم و انحراف آنان و اعمال زشتی که مرتکب می‌شوند محزون است.

فائده این ذکر قلبی

انسان بر اثر مداومت این ذکر قلبی مصداق این حدیث شریف می‌گردد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

سه چیز است که قلب انسان مسلمان در مورد آنها خیانت نمی‌کند: خالص کردن عمل برای خدا، صدق و صفا و راستی با پیشوایان اسلام، و همراه جماعت آنان بودن.^۱

دیگر آن که این گونه تحصیل و تکمیل معرفت باعث روشنائی قلب آدمی می‌گردد و بر اثر مراتب توحید به کمال می‌رسد، و مصداق این حدیث شریف می‌شود که امام باقر علیه السلام به ابو خالد فرمودند:

به خدا سوگند ای ابا خالد! نور امام در دل اهل ایمان روشن‌تر از

خورشید در روز است، و به خدا قسم ایشان هستند که دل‌های مؤمنان را روشن می‌کنند، و خداوند نور ایشان را از هر که بخواهد پنهان می‌دارد و دل‌های آنها تاریک می‌گردد.

به خدا قسم ای ابا خالد، هیچ بنده‌ای ما را دوست نمی‌دارد و تن به ولایت ما نمی‌دهد تا آن که قلب او را پاک کرده باشد، و خداوند دل بنده‌ای را پاک نمی‌سازد تا آن که در مقابل ما تسلیم باشد و سازش داشته باشد و هیچگونه تخلفی از فرمان ما ننماید، و هنگامی که چنین شد خداوند او را از حساب سخت و دشوار رها سازد و از بیم و هراس بزرگ قیامت ایمن گرداند.^۱

دیگر آن که این نوع تحصیل و تکمیل معرفت باعث زیاد شدن محبت می‌گردد. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «دوستی اهل بیت من تأثیرش در دل‌ها همانند تأثیر آب در موجودات است»^۲.

دیگر آن که فضائل فراوان انتظار فرج که در روایات آمده، شامل حال او می‌گردد، که از آن فضائل ثواب جهاد بلکه شهادت در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و بلکه هزار شهید از شهدای بدر و احد است، و از آن فضائل مضاعف شدن ثواب کلیه اعمال او است نسبت به کسانی که در دوران حضور امام علیه السلام و فرج و گشایش و بسط ید او باشند، و از آن فضائل این است که اگر ظهور حضرتش را درک کند و تا آن هنگام زنده بماند در خدمت آن حضرت و در میان اصحاب و یارانش قرار گیرد، و اگر مرگ بین او و ظهور حضرت فاصله اندازد او را حیات مجدد دهند و به دنیا بازگردانند تا در ردیف یاران آن حضرت به افتخار جان نثاری در رکابش نائل آید.^۳

۱ - بحار: ج ۲۳ ص ۳۰۸ ح ۵.

۲ - بحار ۳۶ / ۳۶.

۳ - در دعای عهد این مطلب را از خداوند می‌خواهیم و عرض می‌کنیم: «اللهم إن حال بینی و بینة

آداب این ذکر قلبی

اگر فضای عمومی فضای فاسد و غلبه با اهل باطل باشد باید جز در موارد ضروری از همنشینی و رفاقت با فاسدان و باطل گرایان کاملاً پرهیز کند تا رنگ آنها را به خود نگیرد و آلوده نگردد و بتواند با پاکدلان و صالحان مصاحبت و معاشرت داشته باشد، و شرح این مقام در فصل دوم مطلب سوم آن خواهد آمد.

وجه دوم: حالات شخصی انسان

آنچه تاکنون بدان پرداختیم حالات انسان در ارتباط با نوع انسانها یعنی حالات اجتماعی او بود، اکنون به حالات فردی و شخصی او می پردازیم و آن را در شش حالت بررسی می کنیم:

۱. حال سرور و نعمت.

۲. حال حزن و مصیبت.

۳. حال توفیق طاعت.

۴. حال غفلت.

۵. حال ملاقات با دوستان آن حضرت.

۶. حال مشاهده دشمنان ایشان.

پس از این تقسیم بندی باید دید وظیفه انسان در مورد ذکر قلبی آن حضرت در هر یک از این حالتها چیست؟

* هنگام سرور و نعمت

در حال سرور و نعمت باید به یاد داشته باشد که این نعمت مانند دیگر نعمت های الهی به برکت وجود آن حضرت به او رسیده و به واسطه ایشان از

الموت الذي جعلته على عبادك حتماً مقضياً فأخرجني من قبري مؤتراً كفتي شاهراً سيفي، مجرداً فناتي، ملتياً دعوة الداعي في الحاضر والبادي....»

آن برخوردار گشته است. خداوند در سوره اعراف آیه ۹۶ فرموده است:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾

یعنی برای باز شدن درهای رحمت و نزول برکات آسمان و زمین وجود ایمان و تقوا شرط لازم است.

و حقیقت ایمان و تقوا قائم به پنج رکن است:

۱. حقیقت معرفت به توحید الهی.

۲. حقیقت محبت خالصانه قلبی.

۳. عمل به وظیفه عبودیت.

۴. طهارت ظاهری و باطنی از پلیدی گناه.

۵. شکرگزاری به گونه‌ای که در خور عظمت نعمت و شایسته آن باشد.

و مسلم است که همه این جهات به صورت کامل به وجود امام قائم علیه السلام تحقق پیدا می‌کند، و لذا نعمت‌های الهی به خاطر او است که بر بندگان سرازیر می‌شود. بنابراین هر کس هر مرتبه‌ای از کمالات را که در قلب و روح خود مشاهده کند و از هر نعمتی که بر خوردار گشته باید به یاد داشته باشد که آن را خداوند به واسطه وجود مبارک امام زمان علیه السلام به او مرحمت فرموده است.

آداب ذکر قلبی امام زمان علیه السلام در حال سرور و نعمت

آداب این نوع ذکر قلبی چند امر است:

۱. در هنگام بهره‌مند شدن از نعمت و لذت بردن از آن، توجه قلبی

داشته باشد که این نعمت به برکت وجود امام زمان علیه السلام است و به زبان

اعتراف نماید به این که او ولی نعمت است، چنانچه در روایتی وارد شده

است که امام صادق علیه السلام در هنگام گسترده شدن سفره و حاضر کردن طعام

فرمودند: «اللّٰهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَمِنْ رَسُولِكَ»^۱

و برای ما شایسته است که بگوئیم: «اللّٰهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَمِنْ رَسُولِكَ وَمِنْ حَبِيْبِكَ أَبِي عَبْدِاللهِ وَمِنْ وَلِيِّكَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

۲. نعمت را از راهی که مورد رضای آن حضرت باشد بدست آورد و در راهی که باعث خشنودی آن بزرگوار گردد مصرف کند، مخصوصاً در حلال بودن آن دقت لازم را به عمل آورد.

۳. مقداری از آن نعمت را در راه دوستی و موالات و احیاء امر آن حضرت انفاق کند، و مخصوصاً حقوق واجبی که بر عهده او است مانند خمس و غیر آن را حتماً بپردازد.

۴. در حال وسعت و ثروت سعی کند از لذت‌های دنیا کمتر بهره برد و به عیش و نوش و خوشگذرانی نپردازد، زیرا امام صادق علیه السلام به ابوالصبح کنانی فرمود: خداوند بهره مؤمن را از لذائد دنیوی در دولت حقّه قرار داده.^۲

۵. در هر نعمت و عافیت و رفاهی مصیبت و مظلومیت امام حسین علیه السلام را به یاد آورد، و توجه داشته باشد که آن حضرت با تحمل سختی‌ها و مصیبت‌ها وسیله رسیدن این نعمت به ما گردیده است، و حق او را که ولی نعمت است به شکلی که گفته می‌شود اداء نماید:

۱- کراچکی رحمته الله در کتاب کنز الفوائد روایت کرده است که ابوحنیفه غذائی با امام صادق علیه السلام خورد، حضرت چون دست از طعام کشیدند فرمودند: «الحمد لله رب العالمین» «اللّٰهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَمِنْ رَسُولِكَ» سپاس و ستایش سزاوار پروردگار جهانیان است، خداوند! این نعمت از ناحیه تو و رسول تو به ما رسیده است... «بحار: ۲۴۰/۴۷ ح ۲۵».

۲- ابو صباح کنانی گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام بودم پیرمردی وارد شد و عرض کرد: فرزندم به من جفا کرده و از فرمان من سرپیچی نموده است، امام علیه السلام به او فرمود: «أوما علمت أن للحق دولة وللباطل دولة، وكلاهما ذليل في دولة صاحبه، فمن أصابته دولة الباطل اقتض منه في دولة الحق» آیا نمی‌دانی که برای حق و باطل هر کدام دولتی است و هر یک در دولت دیگری خوار و ذلیل است، پس هر که در دولت باطل بهره‌ای نصیب او گردد در دولت حق از او کم می‌گردد. بحار ۵۲/ ۳۶۵ ح ۱۳۴.

الف. چون از آن حضرت یاد کند بر او سلام و درود فرستد،

ب. بر قاتلین و ظالمین ایشان لعن و نفرین کند،

ج. بر مظلومیت او گریه کند.

د. لااقل در هر شبانه روز یک مرتبه با زیارتی هر چند مختصر، به او توجه نماید.

ه. به مقداری که برایش ممکن است از مال و ثروت خود در راه آن حضرت و امور مربوط به ایشان مصرف نماید، اگر آن مال به مقدار تشرف به حرم مطهر او است هزینه سفر کند، وگرنه در اقامه عزای آن امام مظلوم استفاده نماید.

فوائد این قسم ذکر قلبی

این قسم ذکر قلبی، با آدابی که بیان گردید چند فائده دارد:

فائده اول:

آن که هرگاه انسان هنگام رسیدن نعمت و بهره‌مند شدن از آن به یاد آورد که این نعمت بر اثر توحید و تقوای آن حضرت و محبت او با خداوند تبارک و تعالی و از برکت عبادت‌ها و تهجدها و راز و نیازهای نیمه شب ایشان، و ثمره پاکی و طهارت او است قهراً دو امر بر آن مترتب می‌شود:

اول آن که به ارزش تقوای او می‌برد و باعث اشتیاق او به تحصیل تقوا می‌گردد و با این اشتیاق سختی‌های راه برایش آسان می‌گردد.

امر دوم این که هرگاه انسان در هنگام استفاده کردن از نعمت و بهره‌مند شدن از آن به یاد آورد که این نعمت و لذت از برکات آن حضرت و از آثار وجود او است، این تذکر باعث ازدیاد محبت او به ایشان می‌گردد و در او حالت فروتنی و تواضع و قدردانی نسبت به امامش ایجاد می‌کند.

فائده دوم:

آن که در این تذکر با آدابی که ذکر شد شکر واقعی نعمت‌های الهی

تحقق یافته و مصداق این آیه شریفه می‌گردد که فرموده: ﴿لئن شكرتم لأزيدنكم﴾^۱؛ اگر شکر گزارید حتماً نعمت‌های خود را برای شما زیاد می‌کنم.

فائده سوم:

آن که در بعضی از آداب‌ی که ذکر شد نصرت و یاری آن حضرت حاصل می‌شود، و چون نصرت امام زمان علیه السلام در حقیقت نصرت خداوند است مصداق این آیه شریفه می‌گردد که فرموده است: ﴿إن تنصروا الله ينصركم﴾^۲؛ اگر خدا را یاری نمائید او نیز شما را یاری می‌کند.

فائده چهارم:

آن که با رعایت این آداب، احسان به امام زمان علیه السلام حاصل می‌شود و در نتیجه مورد لطف آن حضرت قرار می‌گیرد، که خداوند تبارک و تعالی فرموده است: ﴿هل جزاء الإحسان إلا الإحسان﴾^۳؛ آیا پاداش نیکی و احسان جز نیکی و احسان است.

فائده پنجم:

آن که اگر از دنیا رود در رجعت زنده می‌شود و باز می‌گردد تا از نعمت‌های ظاهری و باطنی دوران ظهور که همچون نعمت‌های بهشت است به طور کامل بهره‌مند گردد.

* هنگام حزن و مصیبت

حزن و اندوه انسان دو گونه است:

گونه اول حزن

حزنی است که هیچ علت ظاهری ندارد، و بدون آن که ضرر و زیانی یا اذیت و آزاری به او رسیده باشد افسرده و محزون گشته است، چنین حزن

۱ - سوره ابراهیم، آیه ۷.

۲ - سوره محمد صلی الله علیه و آله، آیه ۷.

۳ - سوره الرحمن، آیه ۶۰.

و غمی چه بسا از حزن و غم امام علیه السلام سرچشمه گرفته است همان طور که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند^۱، و این به سبب ارتباط روحی و شدت علاقه‌ای است که بین شیعه و امامش وجود دارد.

لذا اهل محبت هنگامی که دچار چنین غصه‌ای می‌شوند باید احتمال دهند که مولای ایشان اندوهناک است و برای رفع اندوه او تلاش کنند.

فائده این ذکر قلبی

همان گونه که در مورد ذکر آن حضرت در حال سرور و نعمت بیان شد این گونه ذکر با آدابی که گفته شد در حقیقت شکر نعمت وجود آن حضرت و موجب بقاء این نعمت و ازدیاد آن است، یاری خداوند متعال می‌باشد و یاری او را در پی دارد، احسان به آن بزرگوار است و باعث احسان او می‌گردد، و علاوه بر اینها از فضائل فراوان و فوائد بسیاری که برای دعا کردن در فرج امام زمان علیه السلام ثابت گردیده بهره‌مند می‌شود.

گونه دوم حزن

حزنی است که سببی دارد و از علت معینی ناشی گشته است مانند آن که دچار اذیت و آزاری شده یا مصیبتی به او روی آورده است. در این قسم حزن حال انسان دو صورت است:

۱. حال صبر و رضا و تسلیم ندارد، بلکه جزع و بی‌تابی می‌کند که این حالت مرضی پروردگار نیست و در اخبار وارد شده است که به خاطر تقصیر و گناهی است که از انسان سر زده، و این مصیبت و بلا عقوبت آن است.

۱ - ابو بصیر گوید: به همراه یکی از شیعیان محضر مقدس امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم، به آن حضرت عرض کردم: فدای شما شوم، گاهی بدون هیچ علتی دچار غم و غصه می‌شوم و نمی‌دانم منشأ آن چیست؟ امام علیه السلام فرمود: این گونه حزن یا شادی از ناحیه ما به شما می‌رسد، زیرا هرگاه حزن یا سروری بر ما وارد شود بر شما نیز وارد می‌شود، زیرا ما و شما از نور خداوند عز و جل هستیم. «بحار: ۲۴۲/۵ ح ۲۹».

در حدیثی امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: سبب و منشأ هر خطا و لغزشی، از هر کس که صادر شود و باعث عقوبت الهی گردد از زمان حضرت آدم تا هنگام ظهور امام زمان علیه السلام به خاطر تقصیری است که آن شخص در اداء حق لازم ما نموده است.

لذا وظیفه اهل محبت و معرفت در چنین موردی و در حال ابتلا به چنین بلائی آن است که به وضع خود رسیدگی کند، اگر تقصیری در اداء حقوق اهل بیت علیهم السلام دارد، اگر حق مالی است مانند خمس، آن را بپردازد، و اگر حق نصرت و یاری ایشان است به گفتار یا به نوشتار که پیش از این بیان گردید، یا نسبت به دعا کردن برای فرج آنان، و یا در مورد زیارت قبور پاکشان بوده، مخصوصاً اگر در اداء حق امام حسین علیه السلام است به وجهی که توضیح داده شد یا در حق پیامبر صلی الله علیه و آله است، در مقام جبران آن باشد.

از حقوق پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر ما فرستادن صلوات بر آن حضرت و بر اهل بیت علیهم السلام ایشان است، و پس از این تأمل و بررسی دقت کند که در مورد حقوق برادران مؤمن خود کوتاهی نکرده، آزار و یا بی حرمتی به آنان ننموده باشد، و اگر چیزی از این امور برایش معلوم نگردید دعا و استغفار نماید به مضامینی که در دعای امام سجاده علیه السلام وارد شده است.^۱

۲. یا حالت رضا و تسلیم دارد، وظیفه او در این مورد آن است که مصائب مولای خود را در طول غیبت ایشان به خاطر آورد،^۲ مصائب

۱. مانند دعاهای ۳۱ تا ۳۹ صحیفه سجادیه علیه السلام

۲- از مصیبت‌های بزرگ آن وجود مقدس غربت او است، جذ مظلومش امیرالمؤمنین علیه السلام او را این‌گونه برای اصبع بن نباته توصیف نموده است: «صاحب هذا الأمر الشدید الطرید الفرید الوحید» صاحب امر ولایت وعهده‌دار امامت حضرت مهدی علیه السلام رانده شده، آواره، بی‌کس و تنها است. در قضیه پسر مهزیار که مرحوم شیخ صدوق آن را در کتاب ارزشمند کمال الدین نقل کرده، امام زمان علیه السلام فرموده‌اند: «إنّ أبی عهد إلیّ أن لا أوطن من الأرض إلا أخفاها وأقصاها اسراراً لأمری و تحصیناً لمحلّتی من مکائد أهل الضلال والمردة...» «کمال الدین: ۴۴۷/۲ ح ۱۹. بحار: ۳۵/۵۲ ح ۲۸».

پیامبر صلی الله علیه و آله و مخصوصاً مصائب سیدالشهداء علیهم السلام را به یاد آورد تا با تأسی و اقتدا به آنان به تسلیم و رضای او افزوده گردد و قلب او تسکین پیدا کند.

آداب ذکر آن حضرت علیها السلام در این گونه حزن

آداب این ذکر آن است که کاری کند تا مورد مرحمت آن بزرگوار قرار گیرد به این که احسانی به یکی از دوستان گرفتار آن حضرت کند و به این وسیله قلب مبارک ایشان را مسرور و به خود معطوف گرداند، یا با دل شکسته و سوز و آه جدّ مظلومش امام حسین علیه السلام را زیارت کند و بعد از آن برای فرج آن بزرگوار با یکی از دعاهایی که از معصومین علیهم السلام وارد شده، دعا کند و آن گاه از ایشان درخواست شفاعت نماید و از خداوند برای او طلب رحمت و مغفرت کند و حزن و اندوه او را برطرف فرماید، و قصد اصلی او در همه این توسلات به وسائل حسینی و توجهات به رحمة للعالمین درک حقیقت توحید و اظهار محبت به پروردگار باشد.

فائده این گونه ذکر

این ذکر با رعایت آدابی که گفته شد در مورد بلا و مصائبی که حتمی نباشد باعث می شود که آن بلا برطرف شود در ضمن آن که پاداش کاملی به خاطر توسلاتش نصیب او می گردد، و در موردی که بلا حتمی باشد باعث تخفیف آن می گردد به آن که مدت گرفتاری کوتاه گردد یا اگر چند نوع گرفتاری است بعضی از انواع آن برطرف شود و یا تحمل آن مصیبت ساده و آسان گردد، و فوایدی که برای کیفیت اول از حزن گفته شد در این صورت نیز هست.

* هنگام توفیق طاعت

۱. وظیفه اهل محبت در این هنگامه آن است در هر عبادتی که می خواهد انجام دهد بررسی کند مولای او آن عبادت را چگونه انجام می داد و آدابش را از این طریق فراگیرد.

۲. عبادت او و حالات او در چنین عبادتی را به خاطر آورد تا در کیفیت عبادت از نظر خضوع و خشوع و حضور قلب به ایشان تأسی و اقتدا کند.

۳. توجه کند که چنین بزرگواری با آن مرتبه و منزلتی که نزد خدا دارد چگونه در برابر خداوند خضوع و خشوع و اظهار ذلت می نماید، و از آنجا پی به عظمت پروردگار ببرد تا باعث کمال معرفت او به توحید حضرت احدیت گردد.

۴. شدت سعی و اهتمام ایشان را در عبادت به یاد آورد تا عبادت خود را بزرگ بشمارد و گرفتار عجب و غرور نشود.

۵. سعی در عبادت مخصوصاً در بعضی از عبادت‌ها مانند تهجد و شب زنده‌داری خشنودی آن حضرت را فراهم می آورد و چه بسا قابلیت پیدا می کند که به او توجه خاصی نماید و به فیض دیدارش نائل آید، و در بعضی از عبادت‌ها مانند اقامه عزا برای سیدالشهدا علیه السلام دعای خیر آن بزرگوار را در پی دارد، و هر یک از اینها سبب ازدیاد رحمت و عنایت پروردگار در حق او می شود.

۶. عبادت و ورع و تقوای او در واقع نوعی اعانت به آن حضرت و باعث احیاء امر ایشان و موجب عزّ و شرف او می گردد همان طور که کمال فرزند موجب شرف پدر است، و در حدیث است که فرموده اند: «کونوا لنا زیناً؛ زینت ما باشید»^۱

۷. در هر عبادتی توجه داشته باشد که بقاء آن به برکت وجود امام زمان علیه السلام بوده و هست به وجهی که اجمالی از شرح آن گذشت، و لذا از

۱ - سلیمان بن مهران گوید: محضر مقدس امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم، در حالی که نزد آن حضرت جمعی از شیعیان بودند، امام علیه السلام فرمود: معاشر الشیعة کونوا لنا زیناً ولا تکنوا علینا شیئاً؛ ای گروه شیعه سعی کنید زینت ما باشید تا به شما افتخار و مباهات کنیم، به گونه ای با مردم رفتار کنید که وقتی شما را مشاهده کردند بگویند: این مکتب امام صادق علیه السلام است که چنین انسان‌های شایسته ای پرورش می دهد «بحار: ۳۱۰/۷۱».

ایشان سپاسگزاری نماید و حق شکر آن را به جای آورد تا باعث افزایش توفیق او گردد.

۸ در هر عبادتی چون قبولی و تأثیر آن متوقف بر معرفت و محبت آن حضرت است مقارن با آن عبادت اظهار محبتی به ایشان نماید تا آن که موجب کمال قبول آن شود.

در هر عبادتی دو نوع محبت می تواند داشته باشد:

انواع محبت آن حضرت علیها السلام در عبادات

نوع اول از محبت آن حضرت علیها السلام در عبادات

نوع اول محبتی که موافق آن عبادت و از آداب آن است، مثلاً در دعا دوستی موافق با آن، دو امر است:

اول آن که قبل و بعد از دعا به قصد سلامتی آن حضرت صدقه دهد، زیرا از آداب دعا صدقه دادن است و انفاقی که در راه امام علیها السلام و مربوط به ایشان باشد پاداش آن دو هزار هزار برابر می شود، و لذا اثر آن دعا به سبب صدقه ای که داده به مراتب افزایش پیدا می کند.

دوم آن که دعا برای تعجیل فرج آن حضرت را بر دعا برای خود مقدم بدارد، و در این تقدیم نشانه هایی از محبت است که به آنها اشاره می کنیم:

۱. این تقدیم تجلیل و تعظیم آن بزرگوار است و مصداق تعظیم شعائر است که خداوند تبارک و تعالی فرموده است:

﴿وَمَنْ يَعْظَمْ شُعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾^۱؛ تعظیم شعائر الهی از

تقوای دلها سرچشمه می گیرد.

و این تقوا موجب قبولی دعا می گردد.

۲. این گونه تقدیم بدون شک محبتی آشکار نسبت به آن حضرت

است، و محبت به ایشان باعث قبولی دعا و عبادت است .
و گذشته از اینها این مطلب در زیارت جامعه مورد تأیید و تأکید قرار
گرفته است، آنچه که در محضر شریف ایشان عرضه می‌داریم:
ومقدمکم امام طلبتی و حوائجی و ارادتی فی کلّ احوالی و أموری؛
من در همه احوال شما را پیشاپیش خواسته‌ها و حوائج خود قرار
می‌دهم.

دوستی آن حضرت علیه السلام در ضمن نماز

و اما در نماز دوستی آن حضرت علیه السلام، آن است که در قنوت و در سجده
آخر دعا برای تعجیل فرج ایشان کند، زیرا حال قنوت و حال سجده آخر
نماز از بهترین حالات نماز گزار است و دعا کردن در آنها از بهترین آداب
آنها است، و مؤید آن فرمایش امام صادق علیه السلام است که به بعضی از
اصحاب خود هنگامی که آداب خضوع نماز را بیان می‌کردند به قنوت که
رسیدند فرمودند: «فاذکرنی عند ربّک»؛ مرا نیز در آن حال یاد کن نزد
پروردگارت!

دوستی آن حضرت علیه السلام در ضمن روزه

آن است که: به قصد افطاری دادن امام علیه السلام مؤمن صالح فقیری از
شیعیان ایشان را افطاری دهد، زیرا افطاری دادن به روزه‌دار از بهترین
آداب روزه است.

دوستی آن حضرت علیه السلام در ضمن خمس و زکات

در خمس و زکاة، آن است که: هنگام پرداخت خمس و زکات به
سادات و فقراء مؤمنین بعد از قصد اداء واجب تقویت ایمان و ولایت آنها
را به امام زمان علیه السلام قصد کند تا به این وسیله ربطی به آن حضرت پیدا کند و
پاداش آن دو هزار هزار برابر گردد، و این قصد با قصد اداء واجب منافات

ندارد بلکه مؤکد آن است، و علما در رساله‌های عملیه خود نوشته‌اند که هر نیت راجحی در واجبات مؤکد قصد واجب می‌شود.

دوستی آن حضرت علیها السلام در ضمن امر به معروف و نهی از منکر

در امر به معروف و نهی از منکر، آن است که قصد نصرت و یاری امام زمان علیها السلام را بنماید.

دوستی آن حضرت علیها السلام در ضمن حج

در حج دو امر است:

یکی آن که قصد دیدار جمال نورانی آن حضرت و تشریف به محضر مقدسش را در ایام عرفات بنماید گرچه شخص ایشان را نشناسد، زیرا روایت شده است که آن حضرت در موسم عرفات همه ساله حضور دارد و تاکنون اشخاص زیادی به فیض دیدار او در آن مکان شریف نائل آمده‌اند.

دوم آن که: به نیابت از طرف آن حضرت حج به جای آورد یا طواف کند که این از وظایف شیعه نسبت به اداء حق ائمه اطهار علیهم السلام است و فضیلت بسیاری بر آن مترتب می‌گردد.

دوستی آن حضرت علیها السلام در ضمن زیارت و عزاداری امام حسین علیها السلام

در زیارت و عزاداری امام حسین علیها السلام که برترین و کامل‌ترین و محبوب‌ترین و ارزنده‌ترین عبادت است و فضیلت همه عبادت‌ها در آن جمع است مثلاً ثواب هزار نمازگزار، هزار روزه دار، هزار صدقه، هزار جهاد، هزار شهید بلکه چند هزار شهید و چند هزار حج به وسیله آن به دست می‌آید.

دوستی موافق در این دو عبادت بزرگ به دو وجه است:

وجه اول: آن که در روایات فرموده‌اند: حق ما ائمه را شیعیان نمی‌توانند به طور کامل اداء کنند مگر با زیارت و عزاداری امام حسین علیها السلام و ترک آن

جفا در حق ما و ضایع کردن آن است، هر چند هزار حج به آورند. و نیز فرموده‌اند: فضائل فراوان زیارت مشروط است به آن که به قصد دوستی ایشان و اداء حق آن دوستی به جا آورده شود، و در خصوص حضرت صاحب الأمر علیه السلام روایت دارد که چون هنگام ولادتش آن حضرت را به عالم بالا بردند، از ناحیه پروردگار ندا آمد که من قسم یاد کرده‌ام به واسطه تو عطا و بخشش کنم و ثواب و پاداش دهم^۱.

پس در هنگام زیارت امام حسین علیه السلام و نیز در حال عزاداری آن حضرت اگر کسی قصد اداء حق محبت امام زمان علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام را نماید موجب کمال قبول آن و زیاد شدن اجر و پاداش آن می‌گردد.

وجه دوم: طبق روایات فراوان یکی از وظایف شیعه در دوران غیبت امام زمان علیه السلام اهتمام ورزیدن در دعا برای تعجیل فرج آن حضرت است، و در این فرمایش که خود ایشان فرموده: «واكثروا الدعاء بتعجيل الفرج، فإن ذلك فرجكم» تأکید بسیار بر آن شده است و در انجام این وظیفه مهم لازم است که بنده شرایط قبول و تأثیر بهتر آن را فراهم نماید. از خصایص امام حسین علیه السلام و ویژگی‌های آن حضرت قبولی دعا زیر گنبد و بارگاه او و مقامات منسوب به ایشان است، پس اگر کسی هنگام تشریف به کربلاء یا زیارت از راه دور و یا عزاداری آن حضرت قصد انجام این وظیفه - یعنی دعا برای فرج حضرت حجت - نماید، این قصد باعث قبولی عمل و اجابت دعای او می‌گردد.

و اما دوستی موافق در سایر عبادات را در فصل سوم ذکر خواهیم کرد
انشاء الله.

نوع دوم از محبت آن حضرت علیها السلام در عبادات

نوع دوم محبتی است که تعلق به جمیع عبادات دارد و آن دو امر است:
امر اول: آن است که پیش از عبادت به یاد آورد کوتاهی خود را نسبت به حقوق آن حضرت که از روی عمد یا غفلت و یا نادانی صورت گرفته و از خداوند طلب آمرزش نماید و قبولی عبادتش را درخواست کند، و آداب این توبه و استغفار نسبت به هر عبادتی در کتاب‌های مربوطه مذکور است و در خصوص نماز روایت دارد که پیش از شروع نماز بگویید: «یا محسن قد أتاک المسیء...»^۱

امر دوم: مربوط به بعد از عبادت می‌شود و آن دو چیز است.

اول آن که ثواب نمازهای خود را به آن حضرت و پدران بزرگوارش هدیه کند، و هر روز برای هر یک از آنان دو رکعت نماز هدیه نماید، و در آن دو رکعت بعد از ذکر رکوع و سجود سه مرتبه بگوید: «وصلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین».

دوم آن که بعد از فراغ از هر عبادت و عمل صالحی پیش از آن که کاری کند که موجب فساد عمل او شود، به قصد فرج و سلامتی آن حضرت از مال حلال خود، به قدر مقدورش چیزی انفاق کند، امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾^۲ فرموده است:
 مراد از «برّ» در این آیه مائیم و مقصود از این انفاق صله نمودن و احسان به ما است.^۳

دو فائده از ذکر قلبی امام علیه السلام در حال عبادت

از آنچه گفته شد واضح گردید که فائده این تذکر قلبی و به یاد آوردن

۱ - صحیفه علویه جامعه: دعاء ۳۲۳.

۲. سوره آل عمران: ۶۲.

۳. تفسیر عیاشی ۱/۱۸۴.

امام علیه السلام در حال عبادت دو امر است:

۱. این تذکرات باعث زیاد شدن میل و رغبت قلبی و سعی در تکمیل آداب و شرایط آنها می‌گردد.
۲. این مطلب باعث کامل شدن آثار قبولی می‌شود که از آن آثار شرح صدر و انکشاف حقایق و اسرار علوم و معارف است.

* هنگام غفلت و اراده معصیت

اول آن که: در چنین هنگامی باید حضور امام علیه السلام و احاطه علمی او را به احوال و اسرار خود یادآور شود، چنین توجهی البته باعث حیا و مانع ارتکاب معصیت و گناه می‌گردد.

دوم آن که: به یاد آورد هر گناهی و هر عمل زشتی قلب شریف آن حضرت را آزرده می‌کند، پس برای نرنجاندن خاطر آن محبوب و آزرده نساختن قلب نازنین او مرتکب چنین گناهی نشود.

سوم آن که: به یاد آورد که گناه باعث آلودگی و بیماری قلب و روح او می‌گردد، و همان طور که بر اثر طعام آلوده جسم انسان مریض می‌شود و بر اثر آن میل او به غذا هر چند لذیذ باشد کم می‌شود، در بیماری قلب و روح نیز اشتیاق و رغبت او به معنویات کم می‌شود، توجه او به خدا و محبت او به امام زمان ضعیف می‌گردد، و در نتیجه آثار قبولی عبادات او کاهش پیدا می‌کند. گاهی بعضی از خوراکی‌ها مانند سم است و باعث هلاکت انسان می‌گردد، بعضی از گناهان نیز باعث سلب کلی محبت و در نتیجه سقوط آدمی می‌گردد. و چه بسا مصداق این آیه مبارکه می‌شود:

﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أُسَاؤُا السَّوْأَىٰ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا

يَسْتَهْزِؤْنَ﴾^۱

سرانجام کسانی که مرتکب بدی‌ها شدند این بود که آیات الهی را تکذیب کردند و به تمسخر گرفتند.

چهارم آن که: به یاد آورد که معصیت و نافرمانی سبب اعراض آن حضرت از او می‌گردد زیرا که اکثر معاصی منشأ آن محبت دنیا است. و خداوند کریم در قرآن عظیم به پیامبر مکرم صلی الله علیه و آله خود دستور می‌دهد:

﴿وَأَعْرِضْ عَمَّن تُوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يَرِدِ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾^۱

روی بگردان از کسانی که از یاد ما روی گردانده‌اند و جز دنیا و زندگی دنیا چیزی اراده نکرده‌اند.

و البته هر شخصی مستحق اعراض رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد مستحق اعراض امام علیه السلام نیز خواهد بود.

پنجم آن که: به یاد آورد که برای امام زمانش زشت است که او کار زشتی مرتکب شود به خاطر انتسابی که به آن حضرت دارد، همان طور که زشتی کار فرزند باعث خجالت پدر می‌گردد.

* هنگام ملاقات با دوستان ایشان

در چنین هنگامی انسان باید اولاً این مطلب را به یاد آورد که از شرایط ایمان به ائمه اطهار علیهم السلام ارادت و دوستی با اولیا و دوستان ایشان است. روایات فراوانی به ما رسیده که فرموده‌اند: «هر نوع سرور و شادمانی که به دوستان اهل بیت علیهم السلام برسد در حقیقت به خود ایشان رسیده است، و هر نوع بی‌حرمتی و اذیت و آزار دوستان آنان بی‌حرمتی به خود ایشان است».

کلینی رحمته الله در کتاب شریف کافی به سند خود از ابو حمزه ثمالی روایت کرده است که گفت: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

هر که مؤمنی را مسرور گرداند مرا مسرور نموده، و کسی که مرا مسرور کند خدا را مسرور کرده است.^۱

مفضل از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

هنگامی که یکی از شما مؤمنی را مسرور می‌نماید خیال نکند تنها او را مسرور کرده، بلکه به خدا قسم ما را مسرور نموده، و بلکه به خدا سوگند رسول خدا صلی الله علیه و آله را مسرور کرده است.^۲

در روایات زیادی تأکید فراوانی بر شناخت حقوق برادران دینی و اداء آن شده است، و آن در ارتباط و تاسی و اقتدا و شباهت یافتن به امام علیه السلام تأثیر زیادی دارد.

آداب و وظیفه این موالات در هنگام ملاقات با دوستان حضرت

در صورتی که ملاقات با عوام از دوستان آن حضرت باشد وظیفه این است که:

۱. با خوش روئی و خوش اخلاقی و مهربانی و با سلام و مصافحه و احترام با آنها ملاقات کند.
 ۲. به اندازه توانائی خویش باید رفع نگرانی و مشکل از آنها نماید، اگر مشکل مالی دارند کمک مالی و اگر مشکل فرهنگی و دینی دارند کمک علمی به آنان کند و در تعلیم و هدایت ایشان بکوشد.
 ۳. از امری که موجب بی حرمتی و توهین به آنها شود کاملاً خودداری کند.
 ۴. در برابر بد رفتاری و جهالت آنها از خود صبر و مدارا نشان دهد.
 ۵. از دیدار آنها اظهار خرسندی و شادمانی نماید، و در تمام این اظهار ادب‌ها انگیزه او دوستی با ایشان به خاطر انتسابشان به آن حضرت باشد.
- بعد از شناخت این مطلب مؤمن باید آنچه بر عهده او است از حقوق

۱ - بحار: ج ۷۴، ص ۲۸۷ ح ۱۴.

۲ - بحار: ج ۷۴، ص ۲۹۰ ح ۱۹.

امام علیه السلام نسبت به اولیا و دوستان ایشان به جا آورد، به قصد احسان به آن عزیزان به شیعیان شایسته ایشان مخصوصاً به اولاد و ذریه ایشان احسان کند، و به قصد زیارت ائمه اطهار علیهم السلام آنها را زیارت کند، و به قصد مسرور کردن آنها ایشان را مسرور نماید، و به قصد درک فیض جماعت آنها به جماعت ایشان حاضر شود.

نکته‌ای مهم در این گونه از ملاقات‌ها

در هنگام ملاقات با هر یک از دوستان آن حضرت چه از طایفه عوام باشد و چه از طایفه خواص، باید پیش از هر چیز قصد خود را خالص نماید تا از این سبیل اعظم یعنی ولایت حضرت صاحب الامر علیه السلام به وسیله وسائل حسینه و نظر مرحمت حضرت رحمة للعالمین صلی الله علیه و آله فائز شود برای درک حقایق و اسرار توحید، و در زمره اهل محبت خداوند قرار گیرد، دیگر آن که نسبت به مقامات و مجالسی که به آن حضرت مربوط است تجلیل و تعظیم لازم را بنماید، و آداب آن در فصل سوم ذکر خواهد شد.

فائده این گونه ملاقات‌ها:

این گونه ملاقات و موالات نسبت به دوستان آن حضرت با آدابی که ذکر شد دارای فوایدی است که به آنها اشاره می‌کنیم:

۱. علاوه بر درک فضائلی همچون ارشاد جاهل و تکفل ایتم آل محمد علیهم السلام از فضیلت زیارت آن حضرت و احسان و یاری ایشان برخوردار می‌گردد، زیرا احسانی که به یکی از دوستان آن حضرت کند احسان به خود آن حضرت محسوب می‌گردد.

۲. مشمول این فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌گردد، که امام عسکری علیه السلام از آن حضرت روایت کرده است، فرمود:

هر که بر موالات ما اهل بیت پایداری نماید خداوند جامی از محبت خویش به او بیاشامد، که چیزی را با آن هرگز عوض نکند و غیر او را

برای خود یار و یاور نگیرد.^۱

و این فرمایش امام محمد باقر علیه السلام که فرمود:

کسی که دوست دارد و خشنود می شود که بین او و خداوند حجاب و مانعی نباشد به گونه ای که به او بنگرد و خداوند به او بنگرد باید به آل محمد علیهم السلام ارادت داشته و از دشمنان ایشان بیزاری بجوید و به امام و پیشوائی که از آل محمد علیهم السلام است اقتدا کند...^۲

سوم آن که: این نوع ملاقات با آدابی که ذکر شد در حقیقت خدمت به آن حضرت می شود و از فرمایش امام صادق علیه السلام در مورد امام زمان علیه السلام که فرموده است: «لو أدركته لخدمته أيام حياتي»؛ اگر او را درک کنم تمام دوران زندگی ام را در خدمت به او صرف کنم^۳، اهمیت و ارزش خدمت کردن به ایشان معلوم می گردد.

* هنگام ملاقات با دشمنان و مخالفین آن حضرت

در چنین هنگامی اولاً باید بداند که از شرائط صحت ایمان و کامل بودن موالات ائمه اطهار علیهم السلام براءت از دشمنان آنها است. و این دو همانند دو بال ایمان هستند و مکمل یکدیگرند، خداوند تبارک و تعالی ایمان هیچ بنده ای را نمی پذیرد مگر این که ایمانش همراه با ولایت ائمه طاهرین و بیزاری از دشمنان ایشان باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

یا علی، تو امیر مؤمنان و پیشوای پرهیزکاران هستی یا علی، قسم به خدایی که مرا به پیامبری فرستاده و بر همه مردمان برگزیده، اگر بنده ای هزار سال عبادت خدا کند خدا از او نمی پذیرد مگر به ولایت تو

۱. بحار، ج ۹۴، ص ۹، سطر ۶.

۲. بحار، ج ۲۳، ص ۸۱، ح ۱۷.

۳. بحار الانوار ۱۴۸/۵۱.

و امامان از دودمان تو، و ولایت تو پذیرفته نیست مگر به براءت و بیزاری و تنفر از دشمنان تو، این مطلبی است که جبرئیل از جانب خداوند متعال آورده است، هر که خواست بپذیرد و ایمان آورد، و هر که خواهد کافر شود.^۱

حقیقت تبرّی نفرت قلبی است مانند نفرتی که انسان از مردار و بوی گند آن دارد، تبرّی از دشمنان امام علیها السلام باید قلبی و زبانی و عملی باشد. تبرّی قلبی آن است که: انسان به ملاحظه اعمال زشت و اخلاق ناپسند و کینه و عداوت آنها با امام علیها السلام به خاطر حب دنیا و شهوات آن، کمال تنفر و انزجار از آنان را داشته باشد.

تبرّی زبانی آن است که: نفرت خود را به زبان به شکل لعن و سب اظهار کند و مطاعن آنان را برای مردم در هر جا که مناسب دید بیان کند به گونه‌ای که پی به معایب آنان و اعمال زشت و عقاید فاسدشان ببرند و نسبت به آنها تنفر پیدا کنند.

تبرّی عملی آن است که: از دوستی و معاشرت و انس گرفتن با آنها دوری گزیند همانگونه که از معاشرت با افراد مریضی که مرض مُسری دارند اجتناب می‌کند.

و اما وظیفه دیگر انسان در برخورد با دشمنان امام علیها السلام تقیه است یعنی در حال غلبه دشمنان و تسلط آنها به گونه‌ای رفتار کند که جان و مال و دین و آبروی خود و دیگران را از شرّ آنها مصون بدارد^۲ و کاری نکند که موجب هتک و بی حرمتی آنها نسبت به امر آن حضرت گردد و آن به دو گونه تحقق پیدا می‌کند:

یکی آن که: در حضور آنان و یا جایی که بر آن اطلاع پیدا می‌کنند

۱. بحار، ج ۲۷، ص ۶۳، ح ۲۲.

۲. امام صادق علیها السلام فرموده است: تقیه سپر مؤمن است از شرّ دشمنان و حرز مؤمن است از وقوع در فتنه‌ها و بلاها، و کسی که تقیه نمی‌کند ایمان ندارد. «کافی، ج ۲، ص ۲۲۱، ح ۲۳».

دشمنی خود را ظاهر نکنند، بلکه تامی تواند با آنها مدارا و خوشرفتاری کند و نفرت و بغض خود را در دل پنهان دارد.

دوم آن که: هرگاه اظهار ارادت او به امام علیه السلام موجب مسخره کردن دشمنان یا بی ادبی آنها به امر امام علیه السلام شود و یا موجب اهانت به فرمایشات ایشان شود چنین کاری نکند، بلکه هر جا و نزد هر شخصی تا میل و رغبت او را به ذکر امام علیه السلام درک نکند و از آن مطمئن نشود ذکر ایشان را ننماید.

آداب ملاقات با مخالفین در دو مقام اظهار تبری و تقیه

در چنین ملاقاتی انسان باید به چند نکته توجه داشته باشد:

اول: آن که اگر آنها تعدادشان اندک و شکست خورده اند خدا را بر این نعمت شکرگزار باشد که از شر آنها راحت است.

دوم: آن که با خوش اخلاقی با آنها رفتار کند به گونه ای که شیفته اخلاق او شوند و نزد خودشان از برخوردارها و رفتارهای او تعریف کنند، به امید آن که میل و رغبتی به راه و روش حق پیدا کنند و این کار باعث هدایت آنها شود.

سوم: آن که اگر بتواند با روش نیکوئی با آنها بحث و گفتگو کند، با بیانی که قاطع و مستدل و در عین حال نرم و با ملایمت باشد تا سبب هدایت آنها گردد، و یا اتمام حجت بر آنها باشد و آنها را ساکت کند.

چهارم: آن که در حال مشاهده غلبه و شوکت مخالفین محزون باشد و از خداوند درخواست فرج و یاری نماید، و برای دفع شر و فتنه آنها دعا کند.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: هنگام مشاهده شوکت مخالفین بگویید:

اللَّهُمَّ أَرِنَا الرِّخَاءَ وَالسَّرُورَ^۱؛ خداوندا به ما رفاه و راحتی و سرور را نشان بده.

پنجم: آن که قصد و نیت خود را در تمام این وظائف خالص کند تا تأثیر گذار باشد و قلب او قابل شود تا از این سبیل اعظم ولایت حضرت صاحب الامر علیه السلام به وسیله و سائل حسینیّه و نظر مرحمت حضرت رحمة للعالمین برای محبت حضرت احدیت فائز شود.

فائده این گونه ذکر:

بنده مؤمن در حال ابتلا به ملاقات مخالفین - در حال غلبه و شوکت ایشان باشد یا غیر آن - هرگاه امر مولای خود را متذکر باشد و به قصد خشنودی و یاری ایشان به وظیفه خویش با آدابی که ذکر شد رفتار کند به چند فضیلت نائل می‌گردد:

فضیلت اول آن که: چون تبرّی و بیزارى جستن از مخالفین نسبت به موالات مانند از بین بردن نجاست از بدن و لباس است نسبت به نماز، همان طور که نماز پس از برطرف کردن نجاست به مرتبه صحت و قبول می‌رسد، موالات هم پس از تبرّی از مخالفین مورد قبول واقع می‌شود.

همان طور که پس از زدودن گرد و غبار و آلودگی از چهره، حسن و زیبائی آن ظاهر می‌گردد، پس از پاک شدن قلب و روح با تبرّی از اعدا و مخالفین نور ولایت و تجلیات آن در ظاهر و باطن آدمی هویدا و آشکار می‌شود و بر اثر این انکشاف به مراتب رفیع‌تر توحید فائز می‌گردد.

فضیلت دوم آن که: مصداق واقعی این آیه شریفه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۲؛ می‌شود.

۱. بحار الانوار: ۲۰۲/۴۵.

۲. یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید (در برابر مشکلات) شکیبائی پیشه کنید و در برابر

زیرا در تفسیر این آیه در روایات فراوانی وارد شده است که مراد از «مصابره» تقیه نمودن نیکو نسبت به مخالفین است، و مقصود از «مرباطه» خوشرفتاری و مدارا کردن با مخالفین در غیبت امام علیه السلام است، و مجادله نمودن و مقاتله کردن به وسیله زبان و شمشیر است هر کدام در جای خودش با مخالفین.

فضیلت سوم: آن است که در خصوص لعن وارد شده است، و آن بر دو وجه است، وجه اول آن که نسبت به عموم دشمنان و به عنوان کلی یعنی به هر کیفیت و با هر لفظ انجام شود.

از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: لعن دشمنان ما نوعی یاری ما است و موجب ثنا و دعای ملائکه می شود و به سبب آن خداوند درود بر روح بنده می فرستد.

وجه دوم آن که: با الفاظی مخصوص نسبت به گروهی مشخص یا نسبت به زمان و مکان خاصی باشد و آن بسیار است، از آن جمله ابو حمزه ثمالی از حضرت زین العابدین علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

هر که جبت و طاغوت را یک مرتبه لعنت کند خداوند برای او هفتاد هزار هزار حسنه نویسد، و از او هفتاد هزار هزار گناه محو کند، و درجه اش را هفتاد هزار هزار بالا برد؛ و هر که شامگاهان یک بار آن دو را لعنت کند همین پاداش را خواهد داشت.

ابو حمزه گوید: پس از وفات امام سجاد علیه السلام خدمت مولایم امام باقر علیه السلام رسیدم و عرض کردم: حدیثی از پدر بزرگوار شما شنیده‌ام اجازه می فرمائید بازگو کنم؟ فرمود: بگو، حدیث را گفتم، فرمود: آری چنین است، ای ابو حمزه آیا دوست داری برایت زیاده بر این بگویم، عرض

کردم: آری ای مولای من، فرمود:

هر که هنگام صبح آن دو را یک بار لعنت کند تا شب بر او گناهی نوشته نشود، و هر که شامگاهان آن دو را یک بار لعنت کند تا صبح بر او گناهی نوشته نشود.

ابو حمزه گوید: هنگامی که امام باقر علیه السلام دار فانی را وداع گفت، خدمت مولایم امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: مولای من، حدیثی از پدر و جدّ شما شنیده‌ام اجازه می‌دهید بازگو کنم؟ فرمود: برایم بگو، من حدیث را گفتم، امام علیه السلام فرمود: حق است ای ابو حمزه، سپس فرمود: «ویرفع له ألف ألف درجة»؛ و هزار هزار درجه مقام او را بالا می‌برد،

سپس فرمود: انّ الله واسع کریم؛ یعنی رحمت خدا گسترده و او بزرگوار و بخشنده است، و جای استبعاد نیست که خدا به خاطر عمل اندکی اجر و پاداش فراوانی بدهد.^۱

فضیلت چهارم: آن است که در مورد تقیّه وارد شده است؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: مؤمنی که تقیه ندارد مانند بدنی است که سر ندارد.^۲
یعنی نقش تقیه برای حفظ دین و ایمان مانند نقش سر در وجود انسان است.

۱. شفاء الصدور، ج ۲، ص ۳۷۹.

۲. بحار الأنوار: ۲۲۹/۷۱.

فصل دوم

بیان وظیفه ذکر قلبی آن حضرت علیه السلام

در مکان‌های مخصوص و مطلق مکان‌ها

در این فصل سه مطلب بیان می‌شود:

مطلب اول: مکان‌هایی که به آن حضرت علیه السلام منسوب است.

مطلب دوم: آداب ذکر ایشان در آن مکان‌ها و فوائد آن.

مطلب سوم: ذکر ایشان در مطلق مکان‌ها.

مطلب اول

مکان‌های منسوب به آن حضرت علیه السلام

مکان‌های منسوب به آن حضرت سه قسم است:

قسم اول مکان‌هایی که پیوسته و همیشه به آن حضرت نسبت دارد،

و آنها چند مکان است:

مکان اول: غدیر خم

وجه انتساب آن به ایشان این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن خطبه مفصلی در آن مقام - ضمن اقرار گرفتن و اخذ بیعت برای امیرالمؤمنین علیه السلام - فضائل فراوانی برای مهدی موعود علیه السلام بر شمرد و او را این گونه معرفی فرمود:

ای مردم به خدا و رسول او و نوری که با او نازل شده ایمان آورید.

خدا نور را در وجود من و راه من قرار داده، سپس در وجود علی و راه علی علیه السلام و بعد از او در نسل او خواهد بود تا حضرت مهدی علیه السلام آن کسی که حق را آشکار نماید و حق از دست رفته ما را به ما برگرداند.

ای مردم بدانید که من بیم دهنده‌ام و علی علیه السلام هدایت کننده می‌باشد.

ای مردم، همانا من پیامبرم و علی وصی و جانشین من است.

ألا وإن خاتم الأئمة منا القائم المهدي؛ آگاه باشید که آخرین امام از ما خاندان قائم مهدی است.

آگاه باشید که او بر تمام ادیان پیروز می‌گردد.

بدانید که او از تمام ستمگران انتقام خواهد گرفت.

آگاه باشید که او همه دژها را فتح کرده و ویران می‌سازد.

آگاه باشید که او مشرکین را از هر طایفه و نژادی باشند از بین می‌برد.

آگاه باشید که او انتقام خون دوستان خدا را می‌گیرد.
 آگاه باشید که او یاری کنندهٔ دین خدا است.
 آگاه باشید که او از دریائی بی‌کرانه بسیار بهره برداری نموده.
 آگاه باشید که او هر صاحب فضیلتی را به فضلش و هر صاحب جهالتی را به جهلش علامت می‌نهد.
 آگاه باشید که او برگزیدهٔ خداوند و منتخب او است.
 آگاه باشید که او وارث همهٔ علوم است و به همهٔ آنها احاطه دارد.
 آگاه باشید که او خبر دهنده و گزارشگر از طرف پروردگار است.
 آگاه باشید که او راه یافته، درست کردار، محکم و استوار است.
 آگاه باشید که امور خلق به او واگذار شده است.
 آگاه باشید او است که پیشینیان همه به ظهور او بشارت داده‌اند.
 آگاه باشید و بدانید که او آخرین حجت الهی و یادگار آنان است و پس از او حجتی نخواهد بود.^۱ و...

مکان دوم: قم

دیگر از مکان‌های مقدسی که به امام زمان علیه السلام انتساب دارد شهر مقدس قم است^۲ و وجه انتساب آن این است که حرم محترم ایشان است.
 امام صادق علیه السلام فرموده است:

برای خداوند حرمی و آن مکه است، برای رسول خدا حرمی و آن مدینه است، برای امیرالمؤمنین علیه السلام حرمی و آن کوفه است، حرم من و حرم فرزندان بعد از من قم است، قم کوفه‌ای کوچک می‌باشد، آگاه باشید برای بهشت هشت درب است، سه درب آن به روی قم باز

۱. بحارالانوار: خطبه غدیر ۳۷/۲۰۴ تا ۲۱۷.

۲. یکی از مکان‌های مقدس شهر قم که به امام عصر علیه السلام انتساب دارد مسجد مقدس جمکران است، این مسجد در روز هفدهم رمضان ۳۷۳ هجری به دستور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه در کنار روستای جمکران تاسیس گردید، و از آن تاریخ تا کنون همواره پناهگاه شیعیان و پایگاه منتظران و تجلی‌گاه حضرت صاحب الزمان علیه السلام بوده است.

می‌شود، در آنجا بانوئی از خاندان من به نام فاطمه جان می‌سپارد، او دختر موسی بن جعفر علیه السلام است و به شفاعتش شیعیان من همگی وارد بهشت می‌شوند.^۱

و مراد از حرم خاص مقام و جایگاهی است که احترامات خاص ایشان در آنجا جاری است و هر که آن را رعایت کند مورد لطف ایشان قرار می‌گیرد و آنجا برایش مأمّن و پناهگاه می‌باشد، همان طور که حضرت رضا علیه السلام فرموده‌اند:

إذ عَمَّتِ الْبُلْدَانُ الْفِتْنَ وَالْبَلَايَا فَعَلَيْكُمْ بِقَمِّ وَحَوَالِيهَا وَنَوَاحِيهَا، فَإِنَّ
الْبَلَايَا مَدْفُوعَةٌ عَنْهَا.^۲

هنگامی که فتنه‌ها و بلاها همه شهرها را فرا گرفت بر شما باد به قم و اطراف و نواحی آن، زیرا که بلاها از آن دور گشته است.

مکان سوّم: سرداب مقدس آن حضرت در سامراء.

مکان چهارم: مسجد سهله.

مکان پنجم: مقام ایشان در مسجد کوفه است.

مکان ششم: همه مقاماتی که به آن حضرت منسوبند در همه شهرها مخصوصاً در نجف و کربلا و حلّه و نعمانیّه و اصفهان که قدوم مبارک در آنجا نهاده‌اند و ایشان را در حال عبادت یا برطرف کردن مشکل کسی مشاهده کرده‌اند، و آن بسیار اتفاق افتاده است.

در شهر اصفهان سه مقام است که بدون تردید به مقدم مبارک آن حضرت مزین گشته است:

اوّل: حرم محترم امامزاده اسماعیل علیه السلام.

دوّم: مرقد مبارک علامه مجلسی رحمته الله.

سوّم: مرقد مبارک شیخ العلماء آقای شیخ مرتضی دیزی رحمته الله و برای هر یک

۱. بحار، ج ۶۰، ص ۲۲۸، ح ۵۹.

۲. بحار، ج ۶۰، ص ۲۲۸، ح ۶۰.

از آنها وقایع مورد اعتمادی برای خود حقیر و دیگران رخ داده که شاهد صدق این مطلب است.

قسم دوم از مکان‌های منسوب به آن حضرت علیها السلام

مجالس و محافل است که به قصد احیاء امر آن حضرت به ذکر فضائل و مناقب ایشان می‌پردازند یا به قصد دعا کردن برای تعجیل فرج تشکیل می‌شود.

قسم سوم از مکان‌های منسوب به آن حضرت

مکان‌هایی است که آن حضرت در آنها زیاده رفت و آمد دارند، و آنها چند مکان است:

۱. مکه معظمه، که همه ساله آن حضرت در موسم و ایام عرفات در آن سرزمین حضور دارند.

۲. هر یک از حرم‌های امامان علیهم السلام مخصوصاً حرم شریف حضرت اباعبدالله علیه السلام به ویژه در اوقات مخصوص، و شاهدش وقایعی است که اتفاق افتاده و بسیاری از علما و بندگان صالح مکرر ایشان را در آن مشاهد شریفه مشاهده کرده‌اند.

۳. محافل و مجالسی که برای عزاداری سالار شهیدان تشکیل می‌گردد، شاهدش تشریفاتی است که در این‌گونه مجالس برای اهل ایمان به وقوع پیوسته، و روایات فراوانی است که در فضیلت اقامه عزای امام حسین علیه السلام رسیده، و اهتمام بسیاری است که خود آن بزرگواران در اقامه عزای آن سرور داشته‌اند، و با برپایی مجلس عزای شرکت در چنین مجالسی دیگران را تشویق و ترغیب به عزاداری می‌نمودند.

مطلب دوم

بیان آداب ذکر قلبی آن حضرت علیه السلام در آن مکان‌ها و فوائد آن

وظیفه در این گونه موارد آن است که انسان به دو مطلب توجه داشته باشد:

۱. چنین مکان‌هایی به خاطر انتسابی که به امام زمان علیه السلام دارند محترمند و باید حرمت آنها را حفظ کرد، حرمتی مناسب با شأن و مقام والای آن حضرت.

۲. هر جا و مکانی که به حضور آن حضرت در آنجا علم یا گمان داشته باشیم تجلیل و تکریم آن لازم است، و هرگاه بنده‌ای با معرفت و آگاهی مراعات آداب این جهت را که ذکر شد بنماید از فوائد ارزشمند دنیوی و اخروی آن برخوردار می‌گردد.

آدابی که در این گونه موارد باید رعایت کرد دو قسم است:

قسم اول: آداب لازم

آدابی است که اگر رعایت نشود در واقع هتک حرمت آن حضرت شده و باعث کفر و عقوبت اخروی و دنیوی می‌گردد، کفر اخروی او آن است که اجر اعمال و عباداتش از بین می‌رود، و کفر دنیوی او آن است که از برکات و مرحمت‌های آن حضرت که باعث راحتی و آسایش او در زندگی است محروم می‌گردد.

یکی از شواهد برای آنچه گفته شد قضیه تشریف ابن ابی جواد نعمانی به محضر مبارک امام زمان علیه السلام است، او به آن حضرت عرض می‌کند، مولای من برای شما مقامی در نعمانیه و مقامی در حله است، در هر یک از آنها چه زمانی تشریف دارید؟ امام علیه السلام فرمودند: شب سه شنبه و روز آن در نعمانیه و شب جمعه و روز آن در حله‌ام. ولی اهل حله در مقام من

آداب را رعایت نمی‌کنند، هر که در مقام من هنگامی که وارد می‌شود ادب نماید، و بر من و بر امامان سلام کند. و بر من و ایشان دوازده مرتبه صلوات فرستد، و آن گاه دو رکعت نماز به جا آورد و با خداوند تبارک و تعالی در آن مناجات نماید خداوند به او آنچه خواهد عطا فرماید...^۱
و در این قسم از آداب رعایت کردن دو امر لازم است:

امر اول: خودداری کردن از تمام چیزهایی که باعث کدورت خاطر امام علیها السلام و روی گردانیدن ایشان می‌شود، و آن کلیه گناهان است، و بدتر از همه آنها سه چیز است:

۱. گفتار زشت و ناپسند، (مانند فحش و دشنام و لعن و پرده دری و عیب جوئی و نزاع و کشمکش).

۲. آزار و اذیت و توهین کسی گر چه حیوانی تا چه رسد به انسان مؤمنی.

۳. بالباس‌های غیر مناسب و متکبرانانه و با شکل و هیئت مخالفین و دشمنان در آن مکان‌های مقدس وارد شدن.

امر دوم: آن که نجاست به آن مکان‌های پاک نرساند و اگر آنجا چنین چیزی مشاهده کرد از بین ببرد و تطهیر نماید، و با حال جنابت و حیض و نفاس مشرف نشود.

در حدیث است که ابا بصیر با حال جنابت بر امام صادق علیه السلام وارد شد، امام علیه السلام به او اعتراض کرده و فرمودند: آیا سزاوار است که با چنین حالتی به حضور امام بررسی و به بیوت انبیا وارد شوی.^۲

۱ - بحار، ج ۵۳، ص ۲۷۰.

۲ - ابو بصیر گوید: جنب بودم و برای غسل کردن به طرف حمام می‌رفتم، در این اثناء عده‌ای از شیعیان را دیدم که به طرف خانه امام صادق علیه السلام می‌رفتند ترسیدم که آنها بر من پیشی گیرند و من این توفیق را از دست بدهم، با آنها همراه شدم تا وارد خانه امام صادق علیه السلام

قسم دوم: آداب مستحب

آدابی است که مراعات آنها باعث کمال عبادت و سرعت اجابت و زیاد شدن اجر و ثواب می‌گردد و آنها چند چیز است:

اول: آن که پاک و با وضو وارد شود و اگر غسل کرده باشد بهتر است، و با هر نوع زینتی که از نظر شرع و عرف جایز باشد خود را آراسته گرداند،
دوم: آن که بدن و لباس خود را از هر گونه آلودگی پاکیزه گرداند و آن مکان‌ها را با از بین بردن زباله‌ها و جاروب کردن تمیز نماید.

سوم: آن که با خضوع و ادب رفت و آمد کند و نشست و برخاست نماید، و از ادب و خضوع نسبت به آن مکان‌های شریف این است که با پای برهنه باشد هر چند زمین خاکی و مفروش به فرش نباشد، بلکه در میان راه نیز هر مقدار که برایش مقدور است با پای برهنه راه رود.

چهارم: آن که در آن مکان‌های مقدس از خوردن و خوابیدن خودداری کند، و هرگز بدون ضرورت دربارهٔ امور دنیا با کسی صحبت نکند و از خندیدن پرهیزد.

پنجم: آن که تا مادامی که در آنجا توقف دارد زبان خود را به ذکر خدا و استغفار و تلاوت قرآن مشغول کند.

ششم: آن که آداب خاصی که مربوط به آن مکان مقدس است از نماز و دعا، انجام دهد.

هفتم: آن که در آن مکان‌ها هر کجا معلوم است که محلّ قدوم مبارک آن سرور و یا محلّ نشست ایشان است بیوسد.

تنبیه:

آن که قصد خود را در تمام این وظائف و احترامات خالص کند تا از این

گردیدم، هنگامی که امام علیؑ با من رو برو شد، فرمود: یا ابابصیر، أما علمت أن بیوت الأنبیاء و اولاد الأنبیاء لا یدخلها الجنب، فاستحییت وقلت: «بحار، ج ۴۷، ص ۱۲۹، ذح ۱۷۶».

سبیل اعظم ولایت حضرت صاحب الامر به واسطه وسائل حسینی و نظر رحمت رحمة للعالمین صلی الله علیه و آله برای دست یابی به اسرار و حقایق توحید موفق گردد، در زمره اهل اخلاص و محبت حضرت حق قرار گیرد.

فوائد عظیم این گونه ذکر قلبی امام زمان علیه السلام

فوائد این ذکر قلبی آن حضرت با مراعات آدابی که گفته شد چند چیز است:

فائده اول: کیفیاتی که از آداب تعظیم و تجلیل گفته شد در واقع تعظیم و تجلیل از خود آن حضرت است، و تعظیم آن حضرت از بارزترین مصادیق تعظیم شعائر الله است که در قرآن فرموده است: ﴿وَمَنْ يَعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَأَنَّهُمْ مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾^۱.

فائده دوم: مشکلات مهم او با درخواست از پروردگار در آن مکانها کفایت می شود و گشایش در امر معاش او حاصل می گردد.

فائده سوم: باعث فتح ابواب معارف الهیه و کشف حجاب از قلب برای درک آن حقایق می گردد، زیرا امام باب الله است و این که در قرآن کریم فرموده: ﴿فَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾^۲ مقصود خانه های علم و توحید و حکمت الهی است، که ابواب آن ائمه علیهم السلام هستند.

مطلب سوم

بیان آداب و فوائد ذکر قلبی آن حضرت علیه السلام در مطلق مکانها

اما وظیفه ای که هر مؤمن با اخلاص نسبت به ذکر و یاد آن حضرت در هر مکانی دارد چند امر است که از فرمایش آن حضرت به ابراهیم بن مهزیار استفاده می شود، ایشان به ابراهیم بن مهزیار فرمودند: پدرم امام

۱ - سوره حج، آیه ۳۲.

۲. سوره بقره: ۱۸۹.

عسکری علیه السلام به من فرمود:

واعلم أنّ قلوب اهل الطاعة والاخلاص نزع إليك مثل الطير إذا أمت أو
كارها؛

پسرم دل‌های مردم دیندار و با اخلاص مانند پرندگانی که شیفته آشیانه
خویش باشند مشتاق لقای تو هستند و به سوی تو پرمی‌کشند.

از این تشبیه و گفتار حضرت علیه السلام چند مطلب استفاده می‌شود:

مطلب اول: شدت محبت و اشتیاق آنان نسبت به آن ولیّ دوران به گونه‌ای
که در هر مکانی باشند دل‌های آنان چنان غرق یاد آن حضرت باشد که
هیچ ذکری و گفتگویی و امری از امور نتواند او را دچار غفلت کند و از یاد
ایشان باز دارد، و چنین حالی برای کسی حاصل نمی‌شود مگر آن که قلب
خود را از محبت دنیا و شهوات آن خالی نموده و از آلوده شدن به آن
اجتناب کرده باشد، و اگر کسی بخواهد به آن مفسد
مبتلا نشود باید خود را زحمت دهد و با سرکشی نفس و افزون‌طلبی آن
مبارزه کند؛ و این مبارزه را در چند جهت قرار دهد.

۱. در جهت اعراض کردن از آنچه غیر ضروری در امور زندگی است.

۲. آن که با اهل دنیا معاشرت نکند.

۳. آن که در مجالس ذکر حضور پیدا کند و با اهل ذکر از علما و صلحا
مجالست داشته باشد.

۴. آن که دعا کند و از خداوند درخواست نماید تا او را از آلوده شدن به
محبت دنیا و افتادن در دام آن حفظ فرماید.

امام سجّاد علیه السلام در ضمن مناجاتش با خداوند عرض می‌کند:

خدایا محبت دنیا را از دل من ریشه کن نما همان طور که نسبت به

بندگان صالح و شایسته‌ات چنین کردی^۱.

و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که چنین دعا می‌کرد:

خدایا مرا مسکین زنده بدار و مسکین بمیران و با مساکین محشور
فرما^۲.

حاصل کلام آن که بنده مؤمن هرگاه قلب خود را از آلوده شدن به حب
شهوات و زر و زیور دنیا مهذب گردانید و از طغیان و غفلت و سرکشی بر
اثر داشتن مال و ثروت ایمنی یافت، آن محبتی که در سرشت او نسبت به
امام علیه السلام است جلوه می‌کند و بر اثر معرفت به اوصاف جلال و جمال ایشان
قلب او چنان مجذوب و مشتاق می‌شود که هیچ چیز نمی‌تواند قلب و روح
او را از یاد ایشان مشغول سازد، و هرگز نسبت به اعمالی که باعث محبت
او و ارتباطش با ایشان گشته سستی ندارد و غفلت نمی‌ورزد، بلکه از بیم
آن که مبادا امور دنیوی باعث نقصان محبت او گردد به کلی از تمام
فضولات دنیا و شهوات آن اعراض دارد، و شرح حال آنها در این فرمایش
امام زمان علیه السلام برای ابراهیم بن مهزیار شده است که فرمود:

آن گروه اهل اخلاص کسانی هستند که در معرض ذلت و حقارت قرار
می‌گیرند در حالی که نزد خداوند از نیکوکاران و رؤسفیدان هستند، در
میان مردم به گونه‌ای ظاهر می‌شوند که مبتلا به شدت فقر و نیازند، ولی
اهل قناعت و خود نگهداری می‌باشند، دین را با تحقیق بدست آورده‌اند،
و آن را با مجاهده نمودن در اموری که ضدیت با آن دارد یاری
می‌نمایند، خداوند ایشان را به تحمل سختی‌ها و دشواری‌ها در دنیا
اختصاص داده تا عزت در سرای همیشگی شامل حال آنان گردد، و طبع
آنها را بر صبر و شکیبائی سرشته است تا عاقبت نیکو و کرامت جاودان

۱. بحار الانوار: ۱۵۳/۹۱.

۲. بحار الانوار: ۱۷/۶۹.

برای ایشان باشد^۱.

مطلب دوم: از این تشبیه - یعنی تشبیه به پرندگان - استفاده می شود که ایشان مانند پرندگان - که تمام شوق و اشتیاق و انس و آرامش آنها به آشیانه است و آنچه در طلب آب و دانه می کوشند برای اصلاح آسایش در آشیانه و جوجه گان است - تمام شور و شوقشان در اشتغال به خدمتگذاری نسبت به امام علیه السلام است تا اداء حق محبت و نصرت ایشان نماید، و آن مقدار هم که در طلب دنیا از راه حلال می کوشند به عنوان مقدمه انجام وظیفه خدمتگذاری است، و گر نه ظاهراً و باطناً هیچ گونه انسی به هیچ مقامی ندارند.

مطلب سوم: ایشان همچون پرندگان که تمام همّت آنها بازگشتن به آشیانه است در هنگامی که خارج از آشیانه قرار گیرند، همّت ایشان و مقصد و مقصودشان وصال در ظاهر و باطن است. اما در باطن به این که در خاطر شریف آن حضرت محبوب و در نظر مبارک او عزیز و محترم باشد و از او به خیر و خوبی یاد کند، و اما در ظاهر به این که هر کجا و نزد هر کس بوی عطر آن وجود شریف را استشمام کند حضور پیدا کند. و مقام این گونه اشخاص نزد آن حضرت بسیار والا و ارزشمند است.

مطلب چهارم: همچون پرندگان که در مسیر راهی که در طلب آب و دانه اند هر کجا احساس خطر کنند و دام و صیادی را در کمین ببینند توقف نمی کنند، آنها نیز در مسیر کسب و کار در معاشرت ها هر جا و هر مجلسی را که احساس کنند مورد نفرت امام زمان علیه السلام و آزرده گی خاطر شریف او است به جهت آن که در آنجا کسی است که رعایت ادب را نمی کند و هتک حرمت نسبت به آن حضرت یا دوستان ایشان می نماید و یا او را با رفتار و گفتار خویش از ذکر و یاد مولایش باز می دارند، از آنجا عبور می کنند و در

آن مجلس توقف نمی نمایند .

عبد الأعلی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

کسی که به خدا و قیامت ایمان دارد نباید در مجلسی بنشیند که در آن عیب گوئی در مورد امام علیه السلام می شود، یا مؤمنی را مذمت می کنند و درباره اش ناسزا می گویند.^۱

ولی مذمتی که از رفتن در مجالس اهل بدعت و عناد شده نسبت به کسی است که نتواند با آنها مجادله کند و از حق دفاع نماید و یا اگر توانائی آن را دارد چنین کاری نمی کند، اما کسی که قدرت مجادله را دارد و از توانائی لازم در این زمینه برخوردار است بر او لازم و گاهی واجب است که در مجالس آنها شرکت کند و در صورتی که از خطر و ضرر ایمن است با آنان مجادله کند، و این از بهترین انواع نصرت و یاری امام علیه السلام است.

فصل سوم

بیان وظیفه و آداب و فوائد ذکر قلبی آن حضرت علیه السلام

در زمان‌های گوناگون

این فصل مشتمل بر دو مطلب است:

مطلب اول: در بیان وظیفه و آداب ذکر آن حضرت علیه السلام در زمان‌های

خاص

مطلب دوم: در بیان وظیفه و آداب ذکر آن حضرت علیه السلام در مطلق زمان‌ها

مطلب اول: آداب ذکر آن حضرت علیه السلام در زمان‌های خاص

زمان‌های خاصی که انتساب به آن حضرت دارند و برای هر یک در مورد ذکر قلبی آن ولی زمان وظیفه و آداب خاصی است عبارتند از:

۱. هنگامی که ملائکه از طرف پروردگار عالم برای تقدیر امور بندگان به محضر ایشان می‌رسند، مانند شب قدر و شب نیمه شعبان و هر روز هنگام بین الطلوعین.

۲. هنگام ارائه اعمال بندگان به محضر ایشان، مانند دوشنبه و پنجشنبه.

۳. شب جمعه که لیلۃ المزید برای ایشان است.

۴. روز جمعه که روز تجدید عهد ولایت با ایشان است.

۵. اوقات سرور و شادمانی ایشان.

۶. اوقات حزن و اندوه و مصیبت ایشان.

۷. اوقات ذکر و عبادت ایشان.

۸. روز ولادت آن حضرت.

۹. اوقاتی که انتظار فرج در آنها تأکید شده است.

۱۰. روزی که امر امامت به ایشان منتقل شده است، یعنی روز شهادت

پدر بزرگوارش امام عسکری علیه السلام.

اکنون به شرح و توضیح هر یک از این زمان‌های دهگانه می‌پردازیم:

۱. هنگام نزول ملائکه، و آن سه زمان است:

زمان اول: شب‌های قدر در ماه مبارک رمضان، که روح و فرشتگان بر

امام زمان علیه السلام نازل می‌شوند و آنچه از مقدرات سالانه نوشته شده است

تقدیم آن حضرت می‌کنند.

کلینی رحمته الله در کافی از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند:

در شب قدر تفسیر امور سالانه به محضر ولی امر نازل می‌شود، امور مربوط به خود آن حضرت و امور مربوط به مردم همگی در آن دستور داده شده است.^۱

و از همین قسم شب مبارکه نیمه شعبان است.

سید رحمته الله در اقبال از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود: در شب نیمه شعبان جبرئیل نزد من آمد و درباره فضائل آن شب گفت: امشب شبی است که درهای آسمان در آن گشوده می‌گردد،... مرگ و فوت‌ها در آن ثبت می‌شود و رزق و روزی بندگان تا سال آینده تقسیم می‌گردد، و همه حوادثی که در آن سال به وقوع می‌پیوندد نازل می‌شود.^۲

امر اول از وظائف ذکر قلبی

بنابر آنچه که در اخبار توضیح و تبیین شده، واقعه لیلۃ القدر دلیل روشنی بر وجود امام معصوم در هر عصر و زمانی می‌باشد و بیان آن به نحو اختصار چنین است که: چون دلیلی بر نسخ این سوره مبارکه ثابت نشده، پس حکم آن تا روز قیامت ثابت است و آن تقدیر امور و نزول ملائکه برای جمیع امور است، و این امور به اعتبار کلمه «من کل امر» در سوره قدر شامل همه امور تقدیری و تکلیفی است نسبت به تمام اهل زمین از جن و انس، و در این صورت نزول ملائکه برای امور تکلیفی بندگان اگر نزد شخص خاصی که مبین آنها برای بندگان و مجری آنها در میان آنان است نباشد این نزول لغو است، و اگر نزد شخص غیر عالم و غیر

۱ - کافی، ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۳. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۷۹، ح ۶۶.

۲ - اقبال، ص ۲۱۲.

معصوم باشد قبیح‌تر از اول و باعث تزییع و فساد آن امور است، پس ثابت می‌شود که این نزول نزد شخص عالم معصوم است به وجهی که آنها را بشناسد و کلام آنها را احساس کند؛ و این دلیل محکمی است که چنین کسی همیشه در روی زمین موجود است، و رسول خدا ﷺ نسبت به معرفی ایشان به امت خویش هرگز کوتاهی نکرده و آنها را مهمل نگذارده، لذا بر همه لازم است که بعد از یقین داشتن به وجود او، شخص او را از نصوصی که رسیده دریابد و شناسائی نماید.

امر دوم از وظائف ذکر قلبی آن حضرت در اوقات تقدیر امور

آن است که انسان پی به عظمت امام علیؑ ببرد که شأن و مرتبه او تا چه حد است که خداوند تبارک و تعالی با آن که خود خالق آسمان‌ها و زمین و مدبر امور آنها است، ولی فقط به خاطر تجلیل و تعظیم از مقام نماینده و خلیفه خود امر می‌فرماید که ملائکه امور بندگانش را به محضر ایشان ببرند تا به امضاء او برسد.

آداب مخصوص این سه زمان:

چون این سه زمان هنگام صدور امر الهی برای تقدیر و اجرای امور توسط امام زمانؑ است، و به دلیل عقل و نقل ثابت است که تغییر دادن حکم قبل از صدور و اجرای آن به مراتب آسان‌تر از تغییر دادن آن بعد از صدور است؛ زیرا چه بسا مستلزم ردّ امر سلطان و اهانت به کارگزاران او می‌گردد، لذا هر کسی باید در این چند موقع تلاش کند که خود را با توبه و استغفار و دعا و ذکر خداوند سزاوار رحمت خدا سازد و به امام زمانؑ توجه داشته باشد و با صدقه دادن برای سلامتی ایشان و احسان به دوستان او و دعا برای فرج اظهار محبت و دوستی نماید و پس از تطهیر و تنظیف لباس و بدن مخصوصاً با غسل آن حضرت را با زیارت آل یس یا

سایر زیارت‌ها، زیارت کند. دیگر از آداب خاص این اوقات تحصیل حالت خضوع نسبت به آن حجّت خدا است به این گونه که بعد از شناخت عظمت و مقام و مرتبه ایشان و توجه قلبی به آثار بزرگواری او دو خصوصیت در حال او حاصل شود:

خصوصیت اول: آن که با اراده و تصمیم جدی و اشتیاق کامل رام و منقاد شود و دستورات آن حضرت و وظایف خدمت را آن گونه انجام دهد که خشنودی قلب مبارک او را فراهم کند.

خصوصیت دوم: آن که در حال انجام وظیفه در تمام احوال خود فروتنی نماید و حال خشوع و شکستگی داشته باشد.

بنابراین هر کسی باید در این اوقات شریفه که هنگام تقدیر امور است بعد از معرفت و تذکر و توجه به امام زمان علیه السلام این حالت خشوع را نسبت به آن حضرت در خود ایجاد کند و تصمیم خود را برای ادامه دادن این حال خشوع در همه مراتب خدمتگزاری جدی تر کند، و رضایت آن سرور را بیشتر جلب کند، و چون از اخبار و روایات استفاده می شود که هیچ عملی مانند زیارت و عزاداری سالار شهیدان حضرت اباعبدالله علیه السلام نمی تواند رضایت و خشنودی آن حضرت را فراهم آورد، لذا در شب‌های قدر و شب نیمه شعبان و هنگام بین الطلوعین باید این عمل را بر سایر اعمال مقدم بدارد، اقامه عزابرای آن مولای مظلوم نماید و از راه دور یا نزدیک آن حضرت را زیارت کند، شاهد بر این مطلب آن است که در شب‌های قدر و شب نیمه شعبان انبیای الهی و فرشتگان از عرش و آسمان‌ها به زیارت ایشان می روند و با کسی که به زیارت آن حضرت آمده باشد مصافحه می کنند.

در بحار از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

کسی که امام حسین علیه السلام را در نیمه شعبان زیارت کند گناهانش آمرزیده

شود، و در طول سال تا یک سال بر او بگذرد گناهی بر او نوشته نشود، پس اگر در سال آینده به زیارت آن حضرت رفت همه آن گناهانش را خدا بیامرزد.^۱

فوائد این تذکر قلبی:

هر کس با تذکر قلبی نسبت به امام زمان علیه السلام در هنگام نزول تقدیرات، آن آدابی را که گفته شد رعایت کرد، آنچه صلاح دین و دنیای او باشد برایش مقدر می شود، و با این تقدیر توفیق پیدا می کند که گناه نکند و از این راه باعث تغییر نعمت نگردد. اگر هم از روی غفلت خطائی مرتکب شد فوراً با توبه و استغفار آن را جبران نماید، و به این وسیله پیوسته از شر گناهان و عقوبت آنها که سلب توفیق و نزول بلا و نقصان رزق و تسلط دشمن و مستجاب نشدن دعا است ایمن خواهد بود.

زمان دوم: از زمان های خاص، هنگام عرض اعمال است

و آن با استفاده از روایات روزهای دوشنبه و پنجشنبه و هر صبح و شام و شب نیمه شعبان و هنگام مرگ است، که در این اوقات اعمال بندگان به محضر مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين علیهم السلام و به خصوص امام زمان علیه السلام ارائه می گردد.

کیفیت عرضه اعمال و توضیحی پیرامون مفاد این اخبار

عرضه داشتن: چیزی را بر کسی نشان دادن و شناساندن آن به او است، و بر سه گونه است:

اول: نشان دادن خود آن چیز یا آن شخص است.

دوم: عرضه داشتن به وسیله گفتار است، به این که اوصاف آن چیزی را که مورد عرضه است بازگو نماید.

سوم: عرضه نمودن به وسیله نوشتار است، به این که صورت مکتوب آن را نمایش دهند، و در عرضه محاسبات همین معنا مراد است یعنی دفتری که صورت محاسبات در آن مکتوب است به آنها نشان دهند.

قسم اول، عرض خود اشیا و اشخاص

علم امام علیه السلام بر تمام اشیا، و بر تمام اشخاص و احوال آنها احاطه دارد، و شاهد آن روایات متواتره‌ای است که به ما رسیده، از آن جمله روایتی است که ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

هنگامی که سرپرستی امور به صاحب این امر رسد خداوند تبارک و تعالی پستی‌های زمین را برای او بالا آورد و قسمت‌های مرتفع آن را پائین آورد تا آن که دنیا نزد او به منزله کف دستش گردد، کدام یک از شما اگر کف دست او مویی باشد آن را نمی‌بیند^۱.

قسم دوم: عرض گفتاری

و آن نسبت به اعمال بندگان عرضه‌ای است که هر بامداد و شامگاه می‌شود، و مربوط به بیان حکم اعمال و مجازات خیر و شر آنها است که از طرف خداوند توسط ملائکه یا به وحی الهی است بدون واسطه آنها به آن گونه که در بحث مربوط به شب‌های قدر گذشت.

قسم سوم: عرض نوشتاری

و آن مکتوبات و صحائف اعمال حسنه و سیئه بندگان است که هر دوشنبه و پنج‌شنبه هنگام غروب به محضر امام زمان علیه السلام و ائمه طاهرین علیهم السلام و سپس به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله ارائه می‌گردد، و آنگاه برای عرضه بر پروردگار بالا می‌رود.

و اما حکمت در این دو قسم از عرضه اعمال

حکمت عرض اعمال دو مطلب است:

۱. این نزول و عروج ملائکه در خدمت امام علیه السلام نوعی تجلیل و تعظیم از مقام ایشان است، و فائده این تعظیم الهی نسبت به ملائکه که خودشان شاهد این تشریفات هستند و نزد بندگان خدا که برای آنها گزارش می شود شناخت ائمه طاهرین علیهم السلام و پی بردن به مقام و منزلت آنها نزد پروردگار است که این بهترین وسیله برای تکمیل ایمان و تقرب به خداوند عالمیان است.

۲. چون نوعاً برای افراد بشر پذیرفتن مقام علمی امام و این که علم او احاطه بر جهان هستی دارد دشوار است، و به خاطر نارسائی عقل و فهمی که دارند نمی توانند این مطلب را تعقل نمایند وقتی این تشریفات انجام شود و به آنها گفته شود ملائکه به محضر امام می رسند و اخبار را برای آن حضرت می آورند مورد قبول آنها قرار می گیرد.

و از فوائد این که کلیه احوال و اعمال بندگان نزد امام علیه السلام مشهود و آشکار است این است که آن حضرت برای قبولی حسنات شیعیان و دوستانش و آمرزش گناهان ایشان و برطرف شدن گرفتاری ها و سختی های آنان دعا می کند، چنانچه در اخبار فراوانی به آن تصریح شده است.

عبدالله بن ابان می گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: عده ای از ارادتمندان شما از من خواسته اند که خدمت شما عرض کنم برای ایشان دعا کنید. امام علیه السلام فرمود:

به خدا قسم هر روز اعمال شما بر من عرضه می شود.^۱

۱. بصائر الدرجات، ص ۴۵۰، ح ۱۱. البرهان، ج ۴، ص ۵۴۵، ح ۲۱.

کنایه از این که من با دیدن اعمالتان برای شما دعا می‌کنم. نکته‌ای که در آخر این بحث باید اشاره شود این است که در اخباری که می‌فرماید عرض اعمال هر روز می‌شود نسبت به ابرار و فجّار تعمیم دارد،^۱ ولی اخباری که می‌فرماید عرض اعمال در روزهای دوشنبه و پنجشنبه می‌شود مخصوص غیر فجّار است که اعمال آنها با دعای امام علیه السلام اصلاح می‌گردد و به آسمان‌ها بالا برده می‌شود.

و اما نسبت به فاجران و تبه‌کاران در بعضی از اخبار آمده است که حسنات آنها به آسمان برده نمی‌شود، بلکه هبّاء مثنوراً می‌گردد یعنی همچون ذرات گرد و غبار که در هوا پراکنده می‌شود آنها نیز بر باد می‌رود، ولی سیئات و کارهای زشت ایشان در سجّین برده می‌شود، همان طور که در این آیه شریفه به آن اشاره شده است: ﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَّارِ لَفِي سَجِّينٍ﴾؛^۲ به یقین نامه اعمال بدکاران در سجّین است.

وظیفه ما در اوقات عرض اعمال نسبت به ذکر قلبی امام زمان علیه السلام

ملاحظه اول: اهل محبّت و بصیرت که می‌دانند اعمال آنان به محضر امام علیه السلام عرضه می‌گردد و آن حضرت با مشاهده اعمال بد آنان آزرده خاطر می‌شود، سعی می‌کنند که قلب نازنین او را از خود نرنجانند، و این خواسته امام از شیعیان و دوستانش می‌باشد که به سبب اعمالتان هنگام عرضه شدن بر ما موجب مسرت و شادمانی ما باشید و موجب غم و اندوه ما نباشید، زیرا امام علیه السلام سرافرازی آنان را سرافرازی خود می‌داند.

۱. محمد بن فضیل گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مورد این آیه شریفه ﴿فسیری الله عملکم ورسوله والمؤمنون﴾ سؤال کردم، امام علیه السلام فرمود: «تعرض علی رسول الله صلی الله علیه و آله اعمال امته کلّ صباح، ابرارها و فجّارها، فاحذروا! هر بامداد اعمال امت، نیکوکاران و بدکاران ایشان بر رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه می‌شود». (برهان، ج ۴، ص ۵۴۸، ح ۳۱).

۲. سوره مطففین، آیه ۷.

اما ملاحظه دوم این است که از بعضی اخبار استفاده می‌شود که گناهان آدمی تا در نامه عمل او ثبت نشده مفسده و عقوبتی برای او ایجاد نمی‌کند، و از همین باب است منتهی که خدا بر بندگان گذاشته و در مورد نوشتن گناهان به او مهلت داده است، این مهلت در همه اوقات تا نه ساعت است، اگر کسی در این فرصت کاری کرد که کفاره گناهش باشد گناه او عفو می‌شود و برای او نوشته نمی‌شود، نسبت به روز غدیر و نهم ربیع الاول این مهلت تا سه روز و در زیارت حضرت اباعبدالله علیه السلام تا هفتاد روز، و کسی که در شب نیمه شعبان آن حضرت را زیارت کند گناهان او تا یک سال نوشته نمی‌شود، اگر در شب نیمه شعبان سال بعد توفیق زیارت یافت آن گناهان یک ساله او که نوشته نشده آمرزیده می‌شود و اگر چنین توفیقی نیافت ثبت می‌گردد.

و نیز از اخبار استفاده می‌شود که گناه تا مادامی که ثبت نشده محو کردن آن بسیار آسان است، به اندک خیری عفو می‌شود و ثبت نمی‌گردد، ولی هرگاه در نامه عمل ثبت شد محو آن مشکل می‌شود، و چون به دفتر آسمانی و ذکر حکیم منتقل شد به گونه‌ای که شرح آن در عرض اعمال شب نیمه شعبان گذشت بسیار مشکل تر می‌شود و اگر محو نشود و تالیله القدر بماند به مقتضای آن تقدیر امور بنده رقم می‌خورد.

پس بر حسب این دو ملاحظه، مؤمن لازم است که در اوقات عرض اعمال که دوشنبه و پنج شنبه و نیمه شعبان است در سه جهت اهتمام نماید.

جهت اول در این که حسنات خود را که مایه زینت و حسن و بها است افزایش دهد.

جهت دوم در این که سعی کند اعمالی که موجب از بین رفتن گناهان و محو آنها از صحیفه اعمال او یا ثبت نشدن آنها در صحیفه اعمالش می‌گردد انجام دهد.

جهت سوم در این که هدیه‌ای از جانب خود برای ائمه اطهار مخصوصاً حضرت صاحب الامر علیه السلام به عنوان قدر دانی و تشکر بفرستد تا موجب دعا و شفاعت ایشان برای قبولی حسنات و آمرزش گناهان شود. بیان هر یک از این سه جهت:

بیان جهت اول

از جمله اعمال و کارهای نیکوئی که باعث زینت و زیادتی حسن و بهاء است یکی روزه گرفتن در هر دو شنبه و پنج شنبه است. دیگر از چیزهایی که مایه زینت و زیادتی حسن و بهاء است زیاد ذکر گفتن است، چنانچه امام سجاده علیه السلام در ضمن دعا به پیشگاه الهی عرض می‌کند: ای کسی که یاد او مایه شرف برای یادکننده است.^۱ مخصوصاً ذکر صلوات که باعث سنگینی کفه حسنات و نورانیت آن و محو ظلمت سیئات می‌شود و نیز موجب قبولی حسنات و مضاعف شدن ثواب آنها می‌گردد.

بیان جهت دوم

مهم‌ترین وسیله‌ای که باعث از بین رفتن گناهان می‌گردد توبه است، حقیقت توبه ندامت و پشیمانی است بر آنچه از دست او رفته از خیر و خوبی و آنچه نصیب او گردیده از شرّ و بدی، که ناشی از تقصیر او بوده است، شرط اصلی در حصول توبه این است که بنده تقصیر خویش را جبران کند، یعنی آنچه از حقوق الهی یا حقوق مردم ضایع کرده در مقام تدارک آن برآید و اگر چنین نکند توبه حقیقی ننموده است. نسبت به حقوق الهی باید بداند آن قدر مهم است که چه بسا تضییع آن باعث روی گرداندن رسول خدا و ائمه طاهرين علیهم السلام از انسان می‌گردد. در میان فرائض بیش از همه باید به نماز اهمیت داد، زیرا قبولی آن

۱. صحیفه سجادیه جامعه، ص ۷۵، دعای ۳۳.

باعث قبولی سائر عبادت‌ها، و پذیرفته نشدن آن باعث پذیرفته نشدن سایر عبادت‌ها است، و ضایع ساختن آن عقوبت بسیاری به همراه دارد؛ و آن در چهار جهت تحقق می‌یابد:

۱. ترک نماز که در روایات تالی کفر قرار داده شده است.
۲. سهل‌انگاری و سستی در شرایط واجب آن، به این که آنها را نیاموزد و یا به آنها در صورتی که می‌داند عمل نکند.
۳. سهل‌انگاری و سستی نسبت به وقت نماز، که بدون عذر آن را از اول وقت به تأخیر اندازد، در تفسیر این آیه شریفه: ﴿وَيَلِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾^۱ امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است:

هیچ عملی نزد خدا، محبوب‌تر از نماز نیست، پس هیچ چیز شما را از اوقات آن باز ندارد، یعنی امور دنیا شما را به خود مشغول نکند به گونه‌ای که نتوانید نماز را در اول وقت به جا آورید، که خداوند تبارک و تعالی گروهی را مورد مذمت قرار داده و درباره آنها فرموده است: وای بر آنها که نسبت به نمازشان سهل‌انگاری دارند، یعنی دچار غفلت‌اند و نماز را از اول وقت آن به تأخیر می‌اندازند، و به اول وقت که وقت فضیلت آن است اهمیت نمی‌دهند.^۲

۴. سهل‌انگاری در آداب آن، امام صادق علیه السلام به حماد بن عیسی فرمودند: می‌توانی نماز را نیکو به جا آوری؟ عرض کرد: مسائل آن را از کتاب حریز بن عبدالله آموخته‌ام، فرمودند: اکنون دو رکعت نماز بخوان، و چون نمازش تمام شد امام علیه السلام فرمودند:

چقدر زشت که شصت سال یا هفتاد سال بر انسانی بگذرد و نتواند یک نماز را با حدود و آداب آن به جا آورد.^۳

۱. سوره ماعون، آیه ۵.

۲. تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۲۹، ح ۶.

۳. بحار، ج ۴۸، ص ۱۸۵. اسرار الصلاة، شهید ثانی، ص ۱۱۹.

پس لازم است که در اوقات عرض اعمال اگر در یکی از فرائض مخصوصاً نماز کوتاهی کرده باشیم آن را جبران کنیم تا عمل ما باعث نشود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین از آن روی گردان باشند، و به همان حال ناقص رها شود و موقع تقدیر باعث شر و بلا برای ما گردد.

اما نسبت به حق الناس

به این که ظلمی یا اذیت و آزاری یا هتک حرمتی و یا تضييع حقی به کسی کرده باشد، باید بداند که هر یک از اینها آثار سوء و ضررهایی به همراه دارد:

اول آن که بعضی از آنها باعث می شود حسنات انسان پس از آن که مورد قبول واقع شده از بین برود و خط بطلان بر روی آنها کشیده شود.
دوم آن که بعضی از آنها باعث می شود از حسنات انسان برای صاحب حق تقاص شود.

سوم آن که بعضی از آنها باعث می شود که حسنات او از ابتدا مورد قبول واقع نشود.

چهارم آن که بعضی از آنها مانع اجابت دعا و شفاعت ائمه اطهار علیهم السلام می گردد تا آن که حق صاحب حق به او بازگردد.

پنجم آن که بعضی از آنها باعث آزردن و رنجش خاطر ائمه طاهرین علیهم السلام بلکه در حکم ایذا و ظلم به آن حضرات است.

لذا لازم است که بنده در اوقات عرض اعمال متوجه این مطلب باشد که اگر حقی از کسی بر عهده او است آن را ادا کند و به هر شکلی که ممکن است رضایت خاطر صاحب حق را فراهم نماید، و گرنه این حق در نامه اعمال او باقی می ماند و در وقت تقدیر امور به مقتضای آن عقوبت و بلا برایش مقدر می گردد.

جبران حق الله و حق الناس

جبران هر یک از حق الله و حق الناس به دو گونه حاصل می شود:

اول آن که در حق الله قضای عمل فوت شده را مطابق آنچه در کتب فقهی ذکر شده به جا آورد، و در حق الناس حق غصب شده یا تضییع شده را بازگرداند به هر شکلی که رضایت او حاصل شود، و برای حصول آن به آسانی چند راه است:

۱. تضرع به درگاه الهی مخصوصاً به وجهی که در دعای روز دوشنبه امام سجاده علیه السلام وارد شده است.

۲. زیاد استغفار کردن مخصوصاً با کیفیت های مخصوصی که ذکر شده است.

۳. جمله ای از نمازها و ذکرها و دعاها که در اخبار برای اداء دین نقل شده است.

۴. احسان کردن به ذراری حضرت زهرا علیها السلام مخصوصاً گرفتاران و درماندگان آنان که اثر عجیبی در برطرف شدن سختی ها مخصوصاً اداء دیون دارد، و در اخبار زیادی به آن تصریح گردیده است.

دوم برای جبران گذشته کفاره بدهد بر وجهی که بیان شده است در این آیه شریفه:

﴿خذ من أموالهم صدقة تطهرهم وتزكّهم بها وصل عليهم إن صلاتك سكن لهم والله سميع عليم * ألم يعلموا أن الله يقبل التوبة عن عباده و يأخذ الصدقات وأن الله هو التواب الرحيم﴾.

وضایف بندگان هنگام عرض اعمال محضر امام علیه السلام

از بهترین و با ارزش ترین اعمال زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور یا نزدیک است مخصوصاً با حزن و گریه همراه باشد، این عمل از حسناتی

است که باعث از بین رفتن سیئات می شود و مصداق کامل ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يَذْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ است.

ابو خدیجه به امام صادق علیه السلام عرض کرد: ما يبلغ من زیارة قبر الحسين بن علي علیه السلام؛ زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام در چه مرتبه ای است؟
امام علیه السلام فرمود: أفضل ما يكون من الأعمال؛ بهترین اعمال می باشد.^۱

وقت سوّم از اوقات منسوب به آن حضرت، شب جمعه

شب جمعه را ليلة المزیّد نامیده اند، مزیّد یعنی زیاد شدن و برایش چند قسم است: یک قسم زیاد شدن در کمیت و عدد است مانند زیاد شدن خانه و مال و اولاد، و یک قسم زیاد شدن به حسب کیفیت است. در زیادتی نسبت به چشم و گوش و سایر اعضا و جوارح زیادتی عدد مقصود نیست، بلکه بقای قوت و صحت و حسن آنها مراد است، و یک قسم زیادتی انتفاعات آن است مانند آن که از یک کتاب علمی عدّه زیادی بهره مند شوند.

و چون به حسب دلیل نقلی و عقلی ثابت شده است که رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام استعدادشان در ظرف امکاناتی از هنگام وجود بر وجهی بوده که هرچه اقتضا داشته که از مبدء واجب به آنها افاضه شود افاضه گردیده، لذا در هیچ موقع از ابتدای ایجاد نقصانی در آنها نبوده تا آن که مستحق مزیّد باشند، بنابراین قسم اول از مزیّد که زیادتی در کمیت باشد نسبت به آنها منتفی است، و این که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» و یا آنچه در «ليلة المزیّد» نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام گفته شده، مراد قسم دوم و سوّم است، یعنی مقصود از طلب مزیّد، درخواست بقای آن مرتبه عالی است که برای ایشان از کمال و علوم الهیه محقق است، چون

مقتضای فقر ذاتی امکانی که نسبت به حضرت واجب دارند، هر لحظه محتاجند که آنچه را به ایشان مرحمت فرموده، برای ایشان باقی دارد.

آداب این تذکر

اهل ولایت باید شب جمعه بلکه از روز پنجشنبه تلاش نمایند در این جهت که استحقاق دعای امام علیه السلام را پیدا کنند، تا مشمول دعای خیر آن حضرت گردند، راه پیدا کردن به استحقاق در چهار امر است:

۱. با استغاثه و التماس از آن حضرت بخواهد که درباره او دعا کند و شفاعت فرماید.

۲. با کثرت ذکر و دعا و استغفار و شب زنده داری به امام علیه السلام تشبیه پیدا نماید؛ زیرا شب جمعه از اوقاتی است که بسیار درباره عبادت در آن سفارش و تأکید فرموده اند.

۳. جدیت کاملی در دعا کردن و درخواست ظهور آن حضرت داشته باشد و آن را با خلوص نیت انجام دهد، و خلوص آن به این است که اوضاع و احوال دوران غیبت او را رنج دهد، چون مشاهده می کند از طرفی حق پایمال گشته و به آن عمل نمی شود، باطل رواج دارد و پر رونق است، اهل حق در همه جا مغلوب و سرکوب گشته و اهل باطل عزیز و سرافرازند.

از طرف دیگر امام غائب، غریب و مظلوم مانده و ائمه طاهریں علیهم السلام که به شهادت رسیده اند انتقام خون آنها گرفته نشده است، این مصائب او را دچار غم و غصه کرده و قلب او را به درد می آورد، درد فراق نیز بر شدت دردها افزوده و آتش اشتیاق را در دل او شعله ور ساخته است، و می بیند که راهی برای رهایی از این غمها جز دعا کردن برای ظهور آن حضرت نیست؛ لذا تمام کوشش خود را در راه دعا و تضرع و مسئلت در تعجیل

ظهور به کار می برد. البته این گونه دعا کردن اول این که به مقتضای **«هل جزاء الاحسن الا الاحسان»**^۱ موجب دعای آن حضرت در حق او می گردد.

دوم این که از باب این که محبت طرفینی است، و شاهد آن فرمایش امام صادق علیه السلام است که فرمودند:

از قلب خودت سؤال کن تا بدانی چه مقدار به تو مایلم.^۲

یعنی به همان مقداری که قلب تو به من مایل است قلب من نیز به تو مایل می باشد.

و حضرت رضا علیه السلام فرموده اند:

هرگاه خواستی بدانی نزد من چه موقعیتی داری نگاه کن بین من چه موقعیتی نزد تو دارم، پس دعا کردن تو در حق او حکایت از دعای او در حق تو می کند.^۳

سوم این که، این گونه اظهار محبت علامت تشیع است و حضرات فرموده اند: ما در حق شیعیان خود دعا می کنیم.

۴. زیارت امام حسین علیه السلام و اقامه عزای آن حضرت بهترین راه و بالاترین وسیله است برای استحقاق دعای امام زمان علیه السلام، زیرا در اخبار متواتر به این مطلب تصریح شده است که حضرت رسول، امیرالمؤمنین، صدیقه کبری و هر یک از ائمه طاهرين علیهم السلام جداگانه در حق زائر و عزادار امام حسین علیه السلام دعا می کنند، و این مطلب در شب جمعه تأکید بیشتری دارد، زیرا به نقلی ارواح همه انبیا، رسول اکرم و ائمه طاهرين به همراه امام حی و فرشتگان در هر شب جمعه از عرش و آسمانها به کربلا می آیند

و در تمامی این وسائلی که ذکر شد شرط در کمال تأثیر آنها اخلاص است تا آن که از این سبیل اعظم ولایت حضرت صاحب الامر به وسیله

۱. سوره الرحمان: آیه ۶۰.

۲. کافی، ۶۵۲/۲ حدیث ۳.

۳. کافی، ۶۵۲/۲ حدیث ۴.

وسائل حسینی به مصدر نظر مرحمت حضرت رحمه للعالمین فائز شود و درک معارف الهیه نماید.

فائده رعایت این آداب

کسی که آداب مذکور را رعایت کند و استحقاق دعای امام علیه السلام را پیدا نماید سه گونه مزید الهی نصیب او می گردد:

۱. مزید جمله‌ای از الطاف الهیه که موجب برطرف شدن نقصان و تکمیل مقام او در علوم و کمالات و درک حقایق توحید و شایستگی برای ورود در زمرة اهل محبت به حضرت احدیت می گردد.
۲. بقاء آن الطاف و ایمنی یافتن از سلب و زوال.
۳. نشر و ظهور آنها توسط او.

وقت چهارم از اوقات منسوب به آن حضرت، روز جمعه

روز جمعه یکی از اوقاتی است که به امام زمان علیه السلام انتساب دارد، چون ولادت باسعادت ایشان هنگام طلوع فجر روز جمعه تحقق یافته، و ظهور موفور السرور آن حضرت واقع می شود که در زیارت ایشان به آن اشاره شده:

امروز روز جمعه است و آن روزی است که انتظار وقوع ظهور تو و فرج مؤمنین به دست مبارکت و کشته شدن کافران با شمشیرت در آن می باشد.^۱

و چون شب آن برای ایشان مزید الطاف الهی در عرش تحقق یافته، روز جمعه روز عید است و باید به آن وجود نازنین تبریک گفت، و چون بطور قطع و یقین شب گذشته به زیارت حضرت اباعبدالله علیه السلام در کربلای معلی، و زیارت حضرت رسول و دیگر امامان در عرش نائل گشته، روز زیارت کردن آن حضرت است که فرموده اند: من زار زائرنا کمن زارنا.

۱. جمال الاسبوع (سیدبن طاووس): ص ۴۲.

وظیفه ذکر قلبی دوستان آن حضرت نسبت به ایشان در این روز

اهل محبت باید متذکر شئون رفیعه ایشان در این روز باشند به گونه‌ای که موجب دو امر در وجود آنان شود: یکی هیجان اشتیاق آنها، و دیگری عظمت یافتن در قلب آنها به گونه‌ای که باعث تجلیل ظاهری گردد، و تذکر این جهات وقتی واقعیت دارد که موجب عزم و آهنگ قلبی در عمل به آداب ذکر آن حضرت شود.

آداب ذکر ایشان در این روز

و آن رعایت کردن دو مطلب است:

مطلب اول: توجه نمودن به آن حضرت به وسیله زیارت و سلام با آداب خاص آن که عبارتند از:

۱. نظافت بدن و لباس مخصوصاً ناخن گرفتن، شارب زدن، عطر و گلاب استعمال کردن و حمام رفتن.

۲. غسل جمعه با آن تأکید فراوانی که نسبت به آن شده است.

۳. هزار مرتبه صلوات فرستادن به این کیفیت: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ» و صلوات‌های دیگری که وارد شده است مانند صلوات ضرباب اصفهانی.^۱

۴. پرهیز کردن از کارهای لغو و مکروه.

و پس از حصول این آداب به محلّ خلوتی رود و آن حضرت را با زیارت جامعه و یا زیارت آل یس زیارت کند که این هر دو از زیارت‌های معتبر و سفارش شده است. اما زیارت جامعه که رئیس‌المحدثین شیخ صدوق آن را در کتاب ارزشمند «من لا یحضره الفقیه»^۲ و شیخ الطائفه در کتاب گرانسنگ خود «تهذیب»^۳ نقل کرده‌اند دریائی است از معارف اهل

۱. رجوع شود به مفاتیح الجنان، اعمال روز جمعه.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۹.

۳. تهذیب، ج ۶، ص ۹۵.

بیت و مجموعه‌ای است از فضائل ائمه طاهرین علیهم‌السلام که امام هادی علیه‌السلام آن را در اختیار دوستان خویش قرار داده‌اند.

مؤید دیگر قصه سید رشتی است که از قافله عقب مانده بود امام زمان علیه‌السلام را دیدار می‌کند، حضرت به او سه سفارش می‌کنند که یکی در مورد زیارت جامعه است می‌فرمایند: شما چرا جامعه نمی‌خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه. این قضیه را مرحوم حاج شیخ عباس قمی در کتاب شریف «مفاتیح الجنان» در بخش زیارت جامعه نقل کرده‌اند.^۱

واما زیارت: سلام علی آل یس

این زیارت را مرحوم طبرسی که از علمای قرن ششم هجری است در کتاب گرانقدر خود «احتجاج» نقل کرده است.

راوی این زیارت ابو جعفر محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری است که در اواخر دوران غیبت صغری می‌زیسته و مکاتبات بسیاری با ناحیه مقدسه حضرت صاحب الامر علیه‌السلام داشته و به افتخار جواب نائل آمده است، توقیعات متعددی به وسیله او نقل شده که از جمله آنها همین توقیعی است که متضمن زیارت شریفه آل یس است. در آغاز این توقیع مبارک آمده است:

«إذا أردتم التوجه بنا إلى الله والينا فقولوا كما قال الله تعالى: سلام علی آل یس...»

هرگاه خواستید به وسیله ما به خداوند و به ما توجه پیدا کنید، پس آن گونه که خدای متعال فرموده است بگویید: درود و سلام بر آل یس باد.^۲

و از آداب زیارت دسته گلی به همراه بردن است و آن دسته گل در اینجا، زیارت و سلامی بر حضرت اباعبدالله علیه‌السلام است که در میان همه

۱. نسیم معرفت، ج ۱، ص ۲۶.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۶. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱.

تحفه‌های ارزشمند از ارزش بیشتری برخوردار است و مانند گوهری است که لایق تاج شاهنشهی می‌باشد، آن را در مقدمه زیارت خود به عنوان هدیه و تحفه به جا آورد تا توجّهی از توجّهات قدسیه آن حضرت شامل حال او گردد.

مطلب دوم از آداب ذکر قلبی آن حضرت این است که مجلسی تشکیل دهد که در آن ذکر فضائل و دعا برای فرج ایشان شود و احیاء امر آن بزرگوار باشد، و شاهد تأکید آن در خصوص این روز فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: اُف بر مردی که روز جمعه خود را برای امر دینش فارغ نسازد، و احیاء امر آن حضرت در غیبت ایشان از اعظم امور دینی است.

وقت پنجم از اوقات منسوب به آن حضرت ایام سرور ایشان است

و آن روزهای ولادت ائمه اطهار علیهم السلام و روزهایی است که در آن فضل و آیتی از آنان ظاهر گشته مانند: روز مبعث و روز غدیر که در آن اساس حقیقی تأسیس شده و البته سبب شادمانی و سرور امام علیه السلام است، و بر هر مؤمنی لازم است که متذکر این مطلب بوده و به این علت قلب او مسرور و شادمان باشد.

حضرت رضاء علیها السلام به ابن شیبب فرمودند:

ای پسر شیبب، اگر دوست داری با ما در درجات عالی بهشت همراه باشی، در حزن و غم ما اندوهگین و در شادی ما شاد باش.^۱

آداب فرح و شادمانی در این ایام

از آداب آن یکی: تعظیم و بزرگداشت این ایام است با عمل کردن به اعمال و وظایفی که برای آنها مقرر شده است.

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۰۶.

دوم: اظهار شادمانی با پوشیدن لباس‌های مناسب، و تبریک گفتن و تبسم نمودن هنگام برخورد با دوستان.

سوم: تجلیل و تعظیم آن حضرت با سلام و صلوات، و انفاق به دوستان ایشان، و غیر آن، که از افضل آنها زیارت حضرت اباعبدالله علیه السلام است و در اخبار به آن تصریح شده است.

چهارم: هنگام توجه به آن حضرت اظهار فدویت کند، چنین بگوید: «بأبي أنت وأمي ونفسي وأهلي» و از صمیم قلب آمادگی خود را برای فداکاری و از خود گذشتگی در راه محبوبش اعلان کند، و آرزویش این باشد که کاش من قابل باشم تا فدای شما شوم و تمام هستی‌ام را به پای شما بریزم که عزیزتر از جان و مال و تمام هستی من می‌باشی.

وقت ششم از اوقات منسوب به آن حضرت ایام حزن ایشان است

و آن چند وقت است:

۱. اوقات غلبه اعداء و مغلوب بودن اولیای ایشان است که تمامی دوران غیبت را شامل می‌شود.
 ۲. روزهای شهادت ائمه اطهار علیهم السلام مخصوصاً روز عاشورا و بلکه دهه محرم که غمبارترین روزهای تاریخ است.
 ۳. روزهای عید فطر و قربان که امام باقر علیه السلام به عبدالله بن دینار فرمود: ای عبدالله هیچ عید فطر و قربانی نیست مگر این که در آن حزن و غم آل محمد علیهم السلام تجدید می‌شود و تازه می‌گردد.
- عبدالله گوید: عرض کردم چرا چنین است؟ فرمود: زیرا حق خود را در دست دیگران مشاهده می‌کنند.^۱
- و سبب حزن آن حضرت در ایام مذکور دو امر است: یکی مغلوبیت

امر حق که اصل و اساس و ریشه تمام غم‌های امام علیها السلام است، دیگری شدت اتصال روحی و ارتباط و علاقه‌ای است که با ائمه اطهار علیهم السلام دارند، لذا شدت جزع ایشان در مظلومیت آنان به گونه‌ای است که خارج از حد تقریر و تحریر می‌باشد، و لازمه ایمان و محبت هر مؤمنی اندوهگین بودن در چنین ایامی و گریه و ناله نمودن به یاد مصائب آنان است.

آداب حزن و غم

و آن چند امر است:

۱. زیاد استغفار نمودن تا قلب از تاریکی گناهان رها شود و چون آئینه گردد تا تصویری از حال حزن آن حضرت بر آن منعکس گردد و بر اثر آن حال جزع به او دست دهد.
۲. لباس عزا به تن کند و حزن و غم خود را با گریه و ناله اظهار نماید.
۳. از خود آرائی و زینت پرهیز کند، و خوراک و خواب خود را کم کند.
۴. مجلس عزا اقامه نماید.
۵. دشمنان ایشان را بسیار لعن کند.
۶. صلوات فراوان بر ایشان فرستد.
۷. به زیارت ایشان و زیارت قبور ذریه ایشان رود.
۸. زیارت حضرت ابا عبدالله علیه السلام را ترک نکند.
۹. تعجیل فرج آنان را از خداوند تبارک و تعالی خواستار شود.

وقت هفتم از اوقات منسوب به آن حضرت اوقات عبادت ایشان است

و آن اول وقت نمازها و وقت سحر و بین الطلوعین و ماه مبارک رمضان و ایام عرفات و امثال آنها است.

وظیفه ذکر قلبی ایشان در چنین اوقاتی آن است که حال عبادت ایشان را در نظر آورد، و از دور راه می‌تواند به آن برسد: یکی از آنچه در شرح

احوال خود ایشان وارد شده است، مانند آنچه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در وصف مهدی علیه السلام فرموده‌اند: نوفلی گوید: بعد از نماز عصر بر آن حضرت وارد شدم، دیدم دست‌های مبارک را بالا برده و دعا می‌کند، پس از تمام شدن دعایش عرض کردم: برای چه کسی دعا می‌کردید؟ فرمود: برای مهدی آل محمد علیهم السلام سپس فرمود:

پدرم فدای آن که ابروانی پیوسته و ساق‌های باریک دارد، چهار شانه است، رنگ چهره‌اش گندمگون که با آن گندمگونی است رنگ زردی نمایان است که از بیداری شب بر آن عارض گشته است، پدرم فدای آن که در شب مراقب ستارگان است و به آنها می‌نگرد، و به سجده و رکوع می‌پردازد.^۱

دوم از آنچه در شرح عبادت‌های ائمه علیهم السلام وارد شده با کیفیت و چگونگی عبادت‌های ایشان آشنا شود که همه آنان در کمالات همانند یکدیگرند.

آداب و فوائد این تذکر

آداب این تذکر چند امر است:

۱. آن که در آن اوقات سعی کند به قدر امکان تشبّه به آنان پیدا کند که این از علائم شیعیان است.
۲. آن که توجهی به احوال ایشان در آن اوقات نماید که باعث خشوع و رغبت او به عبادت گردد.
۳. آن که تأسف خورد از این که ظاهر نیستند تا در نماز به ایشان اقتدا کند و به فیض نماز جماعت با آن بزرگوار نائل آید، که اگر چنین تمنا و آرزویی در دل داشته باشد فیض جماعت با ایشان را درک می‌کند.

۱. فلاح السائل ص ۳۵۴، بحار الانوار ج ۸۶ ص ۸۰ حدیث ۸

۴. آن که به خاطر داشته باشد که در آن اوقات درهای آسمان به روی عبادت آن حضرت گشوده می شود، و هر عبادتی از هر یک از دوستان ایشان هم که مقارن با عبادت آن بزرگوار انجام شود امید است که به برکت آن عبادت واقعی بالا رود.

وقت هشتم از اوقات منسوب به آن حضرت روز تولد ایشان است

و آن بنا بر مشهور در شب نیمه شعبان که شب جمعه بوده، هنگام طلوع فجر به وقوع پیوسته است.

وظیفه تذکر ایشان در شب و روز نیمه شعبان

و آن چند امر است:

۱. توجه نمودن به فیوضات جلیله ای که توسط ایشان به بندگان می رسد که بعضی از آن فیوضات دائمی است و به همه بندگان می رسد و بعضی فرج های خاص است که نسبت به بعضی از شیعیان در دوران غیبت حاصل می گردد، و آخر الأمر فرج کلی است که با ظهور ایشان تحقق پیدا می کند.

۲. آن که متذکر شود آیاتی را که از ایشان در هنگام تولد ظاهر گشته، از آمدن ملائکه و انتشار نور و شهادت دادن به توحید و رسالت و ولایت ائمه علیهم السلام و تلاوت قرآن، و ایشان را به عرش بردن و نشو و نمای در آسمان تا رحلت امام عسکری علیه السلام به گونه ای که هر چهل روز یک مرتبه او را به زمین باز می گرداندند، و اینها همه تجلیل خاص الهی از آن وجود مقدس بوده است.

آداب این تذکر چند چیز است:

۱. تجلیل از آن شب و روز با عمل به عبادت های آن.
۲. تجلیل از آن روز با اظهار فرح و شادمانی و تبریک گفتن به یکدیگر و لباس نو پوشیدن و غسل و نظافت.

۳. تجلیل از ایشان با ولیمه دادن و زیاد صلوات فرستادن و زیارت.

وقت نهم از اوقات منسوب به آن حضرت اوقاتی است که وعده ظهور و فرج در آنها داده شده است

و آنها عبارتند از:

عید نوروز، روز جمعه، عید فطر، عید قربان، عید غدیر که به همین جهت خواندن دعای ندبه در این چهار روز توصیه شده است، روز عاشورا که در آن خروج می فرماید، ماه مبارک رمضان مخصوصاً شب و روز بیست و سوم، روز دحو الأرض، و هر صبح و شام است که فرموده اند:

توقعوا الفرج صباحاً ومساءً.^۱

وظیفه تذکر آن حضرت در این اوقات آن است که اولاً کیفیتی که درباره ظهور ایشان وارد شده را متذکر گردد، که از زمین «کرعه» به اذن الهی بعد از شنیدن صدائی که از عَلم و شمشیر بلند می شود حرکت می کنند تا به مدینه می آیند و سفیانی تعقیب می کند، پس به مکه می روند تا شب بیست و سوم اصحاب خود را ندا می کند و در صبح آن جبرئیل همه اهل عالم را با خبر می سازد، و تا عاشورا صبر می کنند و در آن روز خروج می کنند و تا چند ماه با مخالفین و دشمنان جنگ می کنند تا پیروزی کامل را به دست می آورند و آنگاه در کوفه مستقر و بر مسند حکومت قرار می گیرند.

و ممکن است در هر یک از روزهای نامبرده حرکتی مربوط به ظهور انجام می گیرد و آیتی از ظهور تحقق پیدا می کند، پس توجه داشته باشد که وعده الهی در باب ظهور که در آیات محکم قرآن و روایات بیان شده همگی حق است و به آدابی انتظار که در اول کتاب بیان شد، رفتار نماید.

۱. بحار: ج ۵۲ ص ۱۰۴ ح ۹. و در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرموده است: وانتظر الفرج صباحاً ومساءً.

وقت دهم از اوقات منسوب به آن حضرت

روز به خلافت رسیدن و انتقال امامت به ایشان است

و آن روز رحلت امام حسن عسکری علیه السلام است که در روز اول و یا هشتم ماه ربیع الأول بنا بر اختلافی که در اخبار می باشد صورت گرفته است. وظیفه تذکر قلبی نسبت به ایشان در این روز آن است که متذکر شود حدیثی را که فرموده اند: جبرئیل نزدیک رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله دوازده صحیفه مختومه به خاتم را به اسم دوازده امام نزد ایشان آورد که هر یک از امامان وقت رحلت امام سابق صحیفه مربوط به خود را بگشاید و بر طبق آن در مدت عمر عمل نماید.

وقت یازدهم از اوقات منسوب به آن حضرت

اوقاتی که برای تجدید عهد و بیعت با آن حضرت تأکید شده است

در کلیه معاملات و امثال آن از شرکت و نکاح و غیره که بین مردم متداول است در تحقق آنها سه عنوان دایر است:

اول عنوان تبانی و تراضی و قرارداد است که درباره کیفیت و کمیت آنچه مورد معامله است گفتگو می شود تا طرفین بر وقوع آن عازم می شوند.

دوم: عنوان عقد و گره خوردن معامله است که پس از تبانی و تراضی به قصد منتقل کردن عوضین با الفاظ خاصی صورت می گیرد.

سوم: عنوان وفا است که طرفین حاضر باشند هر یک از عوضین را بر وجهی که عقد بر آن بسته شده رد کنند، فروشنده جنس را به مشتری می دهد و مشتری ثمن آن را به فروشنده رد کند. این سه عنوان گاهی هر سه در یک مجلس و گاهی در دو مجلس و گاهی در سه مجلس واقع می شود. و وجوب اطاعت و نصرت و محبت نسبت به ائمه طاهرين علیهم السلام به همین سه عنوان ثابت شده است.

عنوان اول: که گفتگو و قرارداد است در عالم ذر و ارواح و اشباح انجام گرفته که از آن به عهد و میثاق تعبیر فرموده‌اند.

عنوان دوم یعنی عقد و گره خوردن آن در این امر در عرش مجید واقع گشت و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از طرف بندگان متصدی وقوع آن شدند همان طور که مرسوم و متعارف است در امر مهمی که انسان از عهده آن بر نمی‌آید و بصیرت لازم را ندارد شخص عالم کاملی را به عنوان وکیل اختیار می‌کند تا او را انجام دهد، و شرح این مطلب در تفسیر آیه شریفه ﴿أمن الرسول بما أنزل إليه من ربه والمؤمنون...﴾^۱ آمده است. که سه عقد توحید و رسالت و ولایت بین خداوند و حضرت رسول واقع شد، و آن حضرت از طرف بندگان قبول کرد.

عنوان سوم: یعنی وفا کردن به مفاد عقد که در این امر از آن به بیعت تعبیر شده است، در امر توحید و رسالت در چند موقع وقوع یافت مانند بیعت رضوان، و در امر ولایت در غدیر خم واقع شد و حضرت رسول از مردم بیعت گرفت و مردم با ایشان بیعت کردند، یعنی اعتراف کردند که ما به قلب و زبان و فعل همگی به امر خداوند در امر ولایت و اطاعت ائمه طاهرين عليهم السلام ثابت و استواریم.

پس حقیقت بیعت همان رضای قلبی بر وجه عزم و اقرار زبانی به ولایت امام و وجوب اطاعت ایشان است. اما أخذ به ید - که دو طرف دست در دست یکدیگر بگذارند - جزء تحقق مفهوم بیعت نبوده، بلکه مؤکد اقرار لسانی است؛ البته هرگاه از خود امام فرمان خاصی بر اخذ به ید صادر شود امری واجب است که همه باید اطاعت کنند ولی بدون این امر خاص وجوب آن ثابت نشده است.

فائده تجدید عهد و عقد و بیعت در این اوقات

خداوند متعال در هر زمان تربیت نفوس بندگان را به وسیله ولی عصر علیه السلام مقرر فرموده است. حال نفوس در استعداد ذاتی مانند دانه تخم‌ها است که بر اثر تربیت گل‌ها و میوه‌ها از آن‌ها ظاهر می‌شود، و وسائل تربیت امام علیه السلام چند امر است:

۱. تعلیم قوانین الهی و رساندن آن به گوش اشخاص بدون واسطه یا با واسطه است، و آن به حسب مقدار و استعداد افراد.
 ۲. دعا و استغفار ایشان است.
 ۳. قبول کردن اموال آنها است.
 ۴. حضور در مجالس آنها و ملاقات با ایشان است.
 ۵. نورانی کردن دل‌های ایشان با تصرفات باطنیه است.
 ۶. تزکیه نفوس و تکمیل عقول آنها است برای فهم آیات الهیه که با تصرفات باطنیه امام صورت می‌پذیرد، که شرح هر یک از اینها در آیات و اخبار مذکور است.
- اما این نوع از تربیت امام مخصوص کسانی است که قلب و روح خود را با حب دنیا و حرص در آن، فاسد نکرده باشند به گونه‌ای که به آنها حالت اعراض قلبی دست داده باشد.

معنای تجدید عهد

تجدید عهد و عقد و بیعت آن است که انسان به قلب خود متذکر شود امر ولایت کلیه امام علیه السلام را و وجوب اطاعت و نصرت و محبت ایشان را، و به زبان هم اعتراف نماید، و آنچه در آن اوقات از لوازم اطاعت است بر وفق آن رفتار نماید، و آن اوقات عبارتند از:

۱. روز غدیر، که در اخبار فراوان تصریح شده و از اعمال مخصوص آن تجدید عهد و عقد و بیعت در امر توحید و رسالت و امامت است.

۲. روز جمعه که روز اخذ میثاق است، امام باقر علیه السلام به جابر فرمود:
روز جمعه به این نام نامیده شده زیرا خداوند تبارک و تعالی جمیع آنچه آفریده از جن و انس همه را جمع کرد و از آنان برای خودش به عنوان ربوبیت و برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله به عنوان نبوت، و برای امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان ولایت بیعت گرفت.^۱

۳. هر بامداد، سید بن طاووس رحمته الله در کتاب مصباح الزائر دعائی را نقل کرده و فرموده: مستحب است که هر روز بعد از نماز صبح خوانده شود، در ضمن آن دعا آمده است:

اللهم اجدد له في هذا اليوم وفي كل يوم عهداً وعقداً وبيعة له في رقبتي^۲.

و از دعاهای دیگری که مشتمل است بر تجدید بیعت با امام زمان علیه السلام دعای عهد است که سید رحمته الله از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، آن حضرت فرموده‌اند:

هر که این دعا را چهل بامداد بخواند از یاوران حضرت مهدی علیه السلام باشد.^۳

۱. احتجاج شیخ مفید. ص ۱۲۹.

۲. مصباح الزائر، ص ۵۴۵. بحار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۰.

۳. بحار الانوار. ۱۱۱/۱۰۲.

مطلب دوم:**در بیان وظیفه و آداب و فوائد ذکر قلبی آن حضرت علیها السلام
در کلیه ایام و همه زمانها**

مؤمن باید همواره عزم و اراده و همت او این باشد که رضایت خاطر امام زمان علیها السلام را فراهم آورد، آنچه موجب خشنودی آن بزرگوار می شود به جا آورد، و آنچه خشم و سخط ایشان را به دنبال دارد ترک کند، ما در این فصل وظایفی را که مربوط به کلیه اوقات است و باعث خشنودی آن حضرت می گردد و محبوبیت آن در نزد ائمه علیهم السلام ثابت شده است و ما را به آن ترغیب فرموده اند و ارتباط بنده را با امام علیها السلام تقویت می نماید در ضمن شانزده امر بیان می کنیم:

امر اول:

دوام اشتغال به تحصیل علوم، این اعم از اصول و فروع به عنوان تعلم یا تعلیم به گونه ای که فهم نیکوئی برای اخبار و فرمایشات ائمه اطهار علیهم السلام پیدا کند، این عمل رضایت خاطر امام علیها السلام را فراهم می کند به دو جهت:

جهت اول: کمال محبوبیت آن در نزد ائمه علیهم السلام در اخبار ثابت شده

است، اما در باب تعلیم از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

مرتبہ شیعیان ما را به مقداری که از ما نیکو روایت می کنند بشناسید، ما

فقیه را فقیه نمی شماریم تا آن که محدث باشد، عرض کردند: آیا مؤمن

محدث می شود؟ فرمود: اهل فهم می شود و اهل فهم محدث است.^۱

اما نسبت به تعلم و مطلق مذاکره، امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه اش به مالک

۱. بحارالانوار ج ۲ ص ۸۲ حدیث ۱.

اشتر می نویسد: واكثر مدارسة العلماء ومناقشة الحكماء^۱ چنین دستوری و چنین تأکیدی به چنین عالم بی نظیری با کثرت مصاحبت او با آن حضرت دلالت بر شدت محبوبیت آن دارد.

و در خطبه همام در وصف اهل تقوی فرموده است:

ووقفوا أسمعهم على العلم النافع لهم^۲؛

گوش خود را وقف علمی کردند که به آنها سود می بخشد.

و واضح است که این فرمایش شدت اهتمام در تعلم علم و محبوبیت آن را بیان می کند.

جهت دوم: به قدری که با تعلیم و تعلم و مذاکره آن نصرت امام عليه السلام حاصل می شود با چیز دیگری حاصل نمی شود، شاهد آن «تلاقوا و تحادثوا فان في ذلك احياء لأمرنا؛ به ملاقات یکدیگر روید و در پیرامون ولایت ما با هم گفتگو داشته باشید که این باعث احياء امر ما می گردد.^۳

و از مؤیدات دیگر آن است که نقل نموده اند حضرت صاحب الامر بیت زیر را بر روی قبر شیخ مفید رحمته الله مرقوم فرمودند:

لا صوت الناعي بفقدك انه	يوم على آل الرسول عظيم
ان كنت قد غبت في جدث الثرى	فالعلم والتوحيد فيك مقيم
والقائم المهدي يفرح كلما	تليت عليك من الدروس علوم ^۴

کاش خبر دهنده مرگ، خبر فقدان تو را نیاورد، روز مرگ تو روزی است که برای آل محمد عليهم السلام مصیبت بزرگی است.

اگر چه تو در میان خاک قبر پنهان شدی، علم و توحید در تو اقامت گزیده است. امام قائم حضرت مهدی عليه السلام خوشحال می شد هرگاه، تو از

۱. بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۶۰۳.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

۳. قریب به این مضمون: بحار الانوار الانوار ج ۷۱ ص ۳۵۴.

۴. ریاض العلماء، ج ۵، ص ۱۷۷. الکنی والالقباب، ج ۳، ص ۱۹۹.

انواع علوم تدریس می کردی.

امر دوم:

مواظبت داشتن بر زیارت حضرت اباعبدالله علیه السلام، در روایات ما هست که چون بعضی از اصحاب خدمت امام صادق علیه السلام می رسیدند، امام از آنها می پرسید: آیا روزی یک بار به زیارت حضرت اباعبدالله می روی یا نه؟ و چون از نرفتن خود خبر می دادند آن حضرت آزرده خاطر می شدند و می فرمودند: این جفانست به آن جناب و ما اهل بیت است، و در بعضی اخبار است که چون اصحاب کمی مال یا ضعف پیری و یا ترس از دشمن را عذر نرفتن خود بیان می کردند، امام علیه السلام می فرمود: این عذرها موجب سقوط حق زیارت ایشان نمی شود بلکه باید در چنین حالت هایی بر بالای بام خانه روید و سلامی و لو مختصر به آن حضرت با این عبارات بگویید:

السلام عليك يا أبا عبدالله، السلام عليك يا بن رسول الله، السلام عليك
ورحمة الله وبركاته

و به بعضی می فرمودند: در خانه خود اقامه عزا نمائید گرچه خود و اهل خانه باشید، و بر غربت و مظلومیت آن سرور مظلومان عالم اشک ماتم بریزید.

امر سوم:

مواظبت داشتن بر خواندن زیارت عاشورا، امام باقر علیه السلام پس از ذکر فضیلت آن برای علقمه فرمودند: اگر می توانی هر روز این زیارت را از دور یا نزدیک بخوان تا همه آن اجر و ثواب ها که گفتم برای تو نیز باشد.^۱
مؤید آن قصه سید رشتی است که امام زمان علیه السلام به او فرمودند: شما چرا زیارت عاشورا نمی خوانید، عاشورا، عاشورا، عاشورا.^۲

۱. مصباح المتعجد، ص ۷۷۲ اعمال ماه محرم.

۲. مفاتیح الجنان.

باید گفت: این زیارت یک معجون الهی است و بهترین وسیله است برای آن که بنده به خداوند متعال و حضرت رسول و ائمه اطهار علیهم السلام تقرب پیدا کند و بالاترین وسیله است برای آن که بنده توفیق اعمال صالح نصیب او گردد، و بسیار کار ساز است در رفع مشکلات و برآمدن حاجات به حدی که می توان گفت در میان سایر اعمال مستحبی مانند خورشید نسبت به ستارگان است.

امر چهارم:

- محبت دائمی نسبت به امام حسین علیه السلام که از لوازم آن چند امر است:
۱. شوق فراوان به زیارت ایشان به گونه ای که لذت آن برایش بیش از هر چیز باشد.^۱
 ۲. جزع و بی تابی هنگام ذکر مصیبت آن حضرت.^۲
 ۳. کثرت اهتمام در اقامه عزای آن حضرت و دریغ نداشتن از صرف مال و نیز حضور در مجالس عزای ایشان.
 ۴. یاد بسیار آن حضرت مخصوصاً در هنگام آشامیدن آب^۳ و خوردن غذا و دیدن اولاد و....
- شدت محبت آن حضرت در دل هر کس که قرار گرفته باشد لطفی بزرگ از پروردگار به او شده است.

امر پنجم:

مواظبت داشتن بر انجام نوافل یومیه و نافله شب که شاهد بر کمال محبوبیت آن این آیه کریمه است:

۱. امام باقر علیه السلام فرموده اند: من كان لنا محباً فليغرب في زيارة الحسين عليه السلام (بحار: ج ۱۰۱ ص ۴ ح ۱۶).

۲. امام حسین علیه السلام فرموده است: أنا قتل العبرة ما ذكرني مؤمن إلا وقد استعبر؛ من كشته و شهید اشکم، هیچ مؤمنی مرا یاد نکند مگر آن که دیده اش گریان شود. (کامل الزیارات، ص ۱۰۸).

۳. در پیام خود آن حضرت است که فرمود: شیعتی مهما شربتم ماء عذب فاذا کرونی.

«ومن اللیل فتهجد به نافله لك عسی أن یبعثك ربك مقاماً محموداً»^۱

پاسی از شب را به تهجد بپرداز، امید است پروردگارت تو را به مقام محمود (مقامی در خور ستایش) برانگیزد.

و شاهد دیگر قصه سید رشتی است که قبلاً ذکر شد و امام زمان علیه السلام در ضمن توصیه هایش به او توصیه به نافله نمود و سه بار فرمود: نافله، نافله، نافله.

امر ششم:

مواظبت داشتن بر ذکر استغفار مخصوصاً به آنچه نصی در مورد آن آمده است مانند هفتاد مرتبه استغفار به این لفظ «أستغفر الله وأتوب إليه» بعد از نماز صبح و عصر و صد بار پیش از خوابیدن و در روز صد بار «استغفر الله» و صد بار «أتوب إلى الله» گفتن.

امر هفتم:

مواظبت داشتن بر تلاوت قرآن، زیرا قرآن یکی از دو ثقل است که رسول خدا آن را در معیت اهل بیت علیهم السلام قرار داد و فرمود: مادامی که بر هر دو متمسک باشید از خطرهای مصون هستید^۲ و از این فرمایش استفاده می شود که توسل به قرآن به همه اقسامش شرط تمامیت توسل به امام علیه السلام است، یکی از اقسام توسل به قرآن قرائت آن است از سیره اهل بیت علیهم السلام استفاده می شود که آنان کثرت اهتمام به قرائت قرآن همیشه و هر روز مخصوصاً بین الطلوعین داشته اند.^۳

دیگر از اقسام توسل به قرآن ختم آن و اهداء ثواب آن به امام علیه السلام است.

۱. سوره اسراء، آیه ۷۹.

۲. کتاب سلیم بن قیس، ص ۱۲۱. احتجاج، ج ۱، ص ۲۲۱. منابع المودة، ص ۳۴. احقاق الحق، ج ۹، ص ۳۵۳.

۳. ابراهیم بن عباس گوید: کان الرضا علیه السلام یختم القرآن فی کل ثلاث؛ حضرت رضا علیه السلام روش او این بود که هر سه روز یک ختم قرآن می کرد. (بحار، ج ۴۹، ص ۹۰، ح ۳).

امر هشتم:

مواظبت داشتن بر زیارت مختصر ائمه اطهار علیهم السلام که در ایام هفته ذکر شده است و در حدیث هر روزی از روزهای هفته به برخی از آنان اختصاص داده شده^۱.

و لذا باید در هر روز به امام یا امامانی که به آن روز تعلق و ارتباط دارند توجه خاصی نمود، همان طور که برای هر مطلبی توسل به امام خاصی سفارش شده که باید به همان امام توسل پیدا کرد تا سریعتر به اجابت رسد،^۲ و پرونده مقدرات ما به دست هر یک از آنان می رسد تا در اختیار آخرین ایشان امام زمان علیه السلام قرار می گیرد و به دست ایشان جاری می گردد.

امر نهم:

مواظبت داشتن بر ذکر و دوام آن است و شاهد بر کمال محبوبیت آن، این آیه شریفه است: ﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ...﴾^۳؛ کسانی که خدا را یاد می کنند و ذکر او می گویند در حالی که ایستاده یا نشسته و یا بر پهلو خوابیده اند.

امر دهم:

مواظبت داشتن بر تعقیب نمازها مخصوصاً نماز صبح تا طلوع آفتاب است و شاهد بر کمال محبوبیت آن این آیه شریفه است: ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ﴾^۴ که تفسیر شده به اشتغال به تعقیب بعد از فراغ از نماز، و شاهد دیگر اهتمام ائمه علیهم السلام به تعقیب نمازها است. و بهترین تعقیب بعد از هر نماز تسبیح حضرت زهرا علیها السلام است.

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۳۸، ح ۱.

۲. رجوع کنید به بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۳۲، ح ۲۲ قصه ابوالوفاء شیرازی.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۹۱.

۴. سوره شرح، آیه ۷.

امر یازدهم:

مواظبت داشتن بر صلوات در هر حالی و در هر زمانی و مکانی است و شاهد بر کمال محبوبیت آن این آیه شریفه است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾^۱

همانا خدا و ملائکه او بر پیامبر درود می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او صلوات فرستید.

امر دوازدهم:

مواظبت داشتن بر خواندن دعاهای صحیفه سجادیه، و شاهد بر کمال محبوبیت آن قصه‌ای است که محدث نوری رحمته الله در نجم الثاقب در شرح شرفیابی شیخ اجل مجلسی اول رحمته الله به حضور مبارک حضرت صاحب الامر نقل کرده است، می گوید: عرض کردم: ای مولای من برای من میسر نمی شود و ممکن نیست که همه وقت خدمت شما برسم، به من کتابی عطا فرماید که همیشه به آن عمل نمایم، آن حضرت فرمود: کتابی به فلانی (واسم او را بردند) داده‌ام، برو از آن شخص بگیر می گوید: کتاب را که از او گرفتم دیدم صحیفه سجادیه است، پس آن را نشر دادم و تعداد زیادی از افراد به برکت آن مستجاب الدعوه شدند.

امر سیزدهم:

مواظبت داشتن بر رعایت آداب و سنن، که قسمتی از آن مربوط به نظافت و تطهیر بدن و لباس و مسکن است مانند حمام رفتن، غسل کردن، با وضو بودن، موهای زائد بدن را از بین بردن، نوره کشیدن، ناخن گرفتن، شستن دست‌ها قبل از خوردن غذا و بعد از آن، شستن لباس و ظروف، خلال کردن، مسواک زدن، جاروب کردن و ازاله تارهای عنکبوت از در و

۱. سوره احزاب، آیه ۵۶.

دیوار خانه و امثال این امور، قسمتی از آن مربوط به زینت است مانند بوی خوش استعمال کردن، شانه زدن، انگشتر در دست نمودن و امثال آن، شاهد بر محبوبیت این امور ترغیب و تحریص فراوانی است که رسول خدا ﷺ و ائمه طاهرین علیهم السلام به آنها نموده اند و خود ایشان همواره بر انجام آنها مواظبت داشته اند و در بیان محبوبیت آن فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ».

امر چهاردهم:

احتراز و دوری جستن از کلیه مکروهات که در اخبار مذمت بسیار در ارتکاب آنها شده است، زیرا تأثیر بعضی از آنها قرب و نزدیکی شیطان و تأثیر بعضی بعد و دوری ملائکه است، بعضی باعث حزن و اندوه و بعضی موجب امراض و بعضی مورث فقرند.

امر پانزدهم:

مواظبت داشتن بر انجام سجده شکر، و شاهد محبوبیت آن اهتمامی است که ائمه اطهار علیهم السلام به آن داشته اند و ترغیب و تأکیدی است که در مورد آن فرموده اند، در حدیث است که رسول خدا ﷺ در راهی تشریف می بردند، از مرکب فرود آمدند و پنج سجده شکر کردند و فرمودند: جبرئیل برای من پنج بشارت آورد، به شکر هر یک سجده ای به جا آوردم، و فرموده اند: هرگاه نعمتی به تو رسید و یا یاد یکی از نعمت ها را کردی سجده کن که این شکر نعمت است و موجب بقاء و زیادتی آن می گردد.

سجده بالاترین مرتبه خضوع بنده نسبت به پروردگار است و بهترین وسیله برای قرب الهی می باشد، در حدیث است که کسی به رسول خدا ﷺ عرض کرد: ای رسول خدا برای من بهشت را ضمانت کنید، آن حضرت فرمود: می پذیرم ولی تو مرا به کثرت سجده اعانت کن.^۱

از بهترین مواضع سجده شکر یکی بعد از هر نماز فریضه است، خداوند تبارک و تعالی در مورد چنین شخصی می فرماید:

اشکر له کما شکر لی، وأقبل إلیه واره وجهی ؛

شکر او را می نمایم همان طور که شکر مرا کرد، و به او روی می آورم و او را مورد مرحمت خاص خویش قرار می دهم.^۱

امر شانزدهم:

مواظبت داشتن بر سه روز روزه در هر ماه که به دو گونه وارد شده است:

اول بافاصله از یکدیگر پنج شنبه اول ماه، پنج شنبه آخر ماه، و چهارشنبه اول از دهه دوم ماه که ثواب روزه جمیع ایام سال را دارد. دوم: پیوسته و بدون فاصله که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و گفت: به امیر مؤمنان علیه السلام بگو که از هر ماه سه روز را روزه بدار تا برای روز اول ثواب ده هزار سال و برای روز دوم ثواب سی هزار سال و برای روز سوم ثواب صد هزار سال نوشته شود، امیر مؤمنان علیه السلام سؤال کرد: این اجر و پاداش مخصوص من است یا هر کس این عمل را انجام دهد فرمود: هر یک از شیعیان تو این روزها را روزه بدارد این ثواب را خواهد داشت، سؤال کرد: آن روزها کدام یک از روزهای ماه است؟ فرمود: سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه.

سوالات مسابقه

۱. «به خدا سوگند ای ابا خالد! نور امام در دل اهل ایمان روشن تر از خورشید در روز است» این

روایت از کیست الف. امام صادق علیه السلام ب. امام باقر علیه السلام

ج. امام زمان علیه السلام د. امام رضا علیه السلام

۲. «به خدا قسم ای ابا خالد، هیچ بنده‌ای ما را دوست نمی‌دارد و تن به..... ما نمی‌دهد تا آن

که قلب او را پاک کرده باشد، و خداوند دل بنده‌ای را پاک نمی‌سازد تا آن که در مقابل ما..... باشد»

قسمت نقطه چین را پر کنید. الف. دوستی / تسلیم ب. ولایت / تسلیم

ج. محبت / تسلیم د. دوستی / اطاعت

۳. وظیفه اهل محبت در هنگام توفیق طاعت چیست؟

الف. انجام عبادات همان گونه که امام زمان علیه السلام آن را انجام می‌دهند

ب. تأسی به امام زمان علیه السلام در خضوع و خشوع و حضور قلب

ج. توجه به این که عبادات به برکت و وجود امام زمان است د. همه موارد

۴. بنا به روایات فراوان یکی از وظایف شیعه در دوران غیبت چیست؟

الف. انجام عبادت فراوان ب. نماز اول وقت

ج. دعای فرج د. کمک به بیچارگان

۵. این روایت در باره امام زمان: «اگر او را درک کنم تمام دوران زندگی ام را در خدمت او صرف

می‌کنم» از کیست؟ الف. امام صادق علیه السلام ب. امام حسین علیه السلام

ج. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله د. امام رضا علیه السلام

۶. یکی از شرایط صحت ایمان و کامل بودن موالات ائمه اطهار..... است

الف. برائت از دشمنان آن‌ها ب. حفظ دستورات و عمل به آن‌ها

ج. ترک محرّمات و گناهان د. مورد الف و ب

۷. کدام یک از موارد زیر در مورد اماکن منسوب امام زمان لازم است مراعات شود؟

الف. خودداری از تمام چیزهایی که باعث کدورت خاطر امام علیه السلام و رویگردانی ایشان می‌شود

ب. حفظ طهارت آن اماکن و وارد شدن با حالت طهارت

ج. انجام اعمال عبادی در آن مکان ها

د. موارد الف و ب

۸. کدام یک از این زمان ها انتساب به امام زمان دارند و ذکر قلبی آن حضرت مطلوب است

الف. هنگام ارائه اعمال به محضر ایشان مانند دوشنبه و پنج شنبه

ب. روز جمعه که روز تجدید بیعت با ایشان است

ج. اوقاتی که انتظار فرج در آن تاکید شده

د. همه موارد

۹. بنابر آن چه در روایات بیان شده است سوره قدر چه چیزی را اثبات می کند؟

الف. اهمیت یک شب در طول سال

ب. ثواب و پاداش زیاد برای عبادت در شب قدر

ج. وجود امام معصوم در هر عصر و زمان تا روز قیامت

د. موارد الف و ب

۱۰. کدام یک از موارد از آثار حق الناس می باشد

الف. باطل شدن حسنات انسان

ب. مانع شدن از اجابت دعا و شفاعت ائمه اطهار

ج. آزاد شدن و رنجیدن خاطر ائمه طاهرين

د. همه موارد

۱۱. کدام یک از موارد زیر از آداب ذکر امام زمان در روز جمعه است

الف. نظافت بدن و لباس، استعمال عطر و گلاب

ب. هزار مرتبه صلوات با این کیفیت «اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم»

ج. غسل جمعه

د. همه موارد

۱۲. دعائی که امام صادق فرمودند هر کس چهل بار بخواند از یاوران مهدی باشد کدام است

الف. دعای ندبه

ب. دعای عهد

موارد الف و ب

ج. دعای سمات